

تمام قلمها و تفنگها را بسوی دشمن اصلی و شیطان بزرگ - امریکا - نشانه رویم

انقلاب ما مرحله حتمی را از سر میگذراند. مرزبندی بین طبقات و اقلات اجتماعی، چنانکه خصیت هر انقلاب پویاست، در این مرحله عمیق تر شده است. انقلاب ما که میلیونها نفر را به خیابانها کشانده است، نمی تواند در چرخش تنگ منافع کمتر و یا گروه خاصی محصور بماند. انقلاب خلقی ما نمی تواند خصیت خلقی نداشته باشد.

ولی آنچه در این میان تکرار آید است آنست که دشمن میخواید ما را از هدف اصلی مبارزه خود دور سازد و با ایجاد تفرقه در صفوف خلق، غربت نهایی خود را بر یکر انقلاب وارد سازد. اخبار و اطلاعاتی که در این روزها در روزنامه های کشور و مطبوعات و رادیوهای خارجی انعکاس می یابد نشان میدهد که امریالیسم آمریکا و دستیاران و دست نشاندهانش بر تلاش خود برای اختناق انقلاب ایران افزوده اند. باید این واقعیت را در هیچ حالت از یاد برد.

تاسفانه ما شاهد آنیم که در این اواخر مطبوعات در گرما گرم مبارزات داخلی، دشمن اصلی - امریالیسم آمریکا را فراموش کرده اند. این غفلت می تواند به بهای سنگینی برای مردم ما تمام شود. امروز شبکه داخلی و خارجی ضدانقلاب، زیر رهبری کمیته واحدی از سازمانهای جاسوسی آمریکا و انگلستان، به فعالیت بر ضد ایران مشغولند. نمیتوان انکار کرد که ضدانقلاب موفق شده است که با برپا کردن فعالیت را روز بروز توسعه دهد، اگر در اوایل انقلاب از روی روشنگری ضدانقلاب در جستجوی سوراخ موشی بود، که خود را در آن پنهان کند، امروز سوراخ سخنرانی بختیار را پخش میکند، رادیو برپا میکند، در ازتیرخانه میکند و بهواداران خود وعده میدهد که بزودی کار جمهوری اسلامی را یکسره خواهد کرد.

سلسله است که ضدانقلاب جز آتی در دست امریالیسم، سرکردگی امریالیسم آمریکا، نیست و در کشور پایگاه توده ای ندارد و نمیتواند داشته باشد. اما هیچ ضدانقلابی در سراسر تاریخ جهان پایگاه توده ای نداشته است. در دوران پس از جنگ، توطئه های ضدانقلابی و ضد خلقی فقط با پشتیبانی و دخالت مستقیم امریالیستها، بویژه امریالیستهای آمریکائی، انجام گرفته است. کودتای ۲۸ مرداد یک نمونه پاز است.

اما توطئه های ضدانقلابی و ضد خلقی، فقط در شرایطی با موفقیت روبرو میگردد که نیروی ملی و خلقی از دشمن اصلی - امریالیسم، سرکردگی امریالیسم آمریکا - فارغ شوند، میدان را برای توطئه ها و دسیسه های امریالیسم باز گذارند و دچار تفرقه و پراکندگی شوند. سازمانهای جاسوسی آمریکا و انگلستان که رهبری کودتای ۲۸ مرداد را در دست داشتند، غربت نهایی خود را درست در همان لحظه وارد ساختند، که نیروهای ملی و انقلابی دچار تفرقه و پراکندگی بودند و دولت با تسلیم انقلاب علیه توطئه های امریالیستی عمل نمیکرد. ما تجربه گرانبهای کودتای ۲۸ مرداد را نباید هرگز از یاد ببریم. هیچ مبارزه درون خلقی نباید زمینه را برای پیروزی دشمن اصلی خلقها - شیطان بزرگ و اموانش فراهم سازد. برقراری نسبت به امریالیسم آمریکا و توطئه های او در کشور، در سطح منطقه و جهان نشانه بی اعتنائی بسرنوشت انقلاب ایران است. روزنامه های پنج شش روز اخیر را ورق بزنیم تا ببینیم ستونهای عمده خود را به چه سائلی اختصاص داده اند. با نهایت تاسف می بینیم که آنچه باید از همه چیز بیشتر باشد، از همه چیز کمتر است. آیا خطر امریالیسم آمریکا کاهش یافته است؟ آیا دیگر خطر امریالیسم آمریکا موضوع روز نیست؟ بلکه ما خطر را بزرگتر از واقع می بینیم؛ بلکه خطر امریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی واقعا کاهش یافته است؛ باردیگر همان روزنامه ها را ورق بزنیم، هر است از اخبار و اطلاعاتی که برای ما در عمق خطر جای شبیه و تردیدی نیگذارد. می خوانیم که:

کارتر گفته است در خلیج فارس نیروی نظامی بکار خواهد برد. مصر به آمریکا پایگاه داده است تا از آن برای عملیات احتمالی بر ضد ایران استفاده کند.

لنایتگان اویسی و پالیزیان برای مذاکره به عراق آمده اند. در ارتش ایران شبکه «براندازی» کشف شده است و یکی از رهبران شبکه با صدام حسین، جلال عراقی، ملاقات کرده و صدام به او وعده کمک و اسلحه داده است، و...

نه، بیچوجه خطر مرتفع نشده است. امریالیستهای آمریکائی و دستیاران و دست نشاندهانش باین سادگی از سر ایران دست برنمی دارند. یک ایران مستقل و آزاد می تواند مواضع آنانرا در حساسترین منطقه جهان متزلزل کند. بنظر آنها ایران یا باید به اردوگاه امریالیسم بازگردد و یا از بین برود. فرق نمیکند از چه راه و با چه شیوه ای: کودتا، محاصره اقتصادی، تجاوز نظامی، فشار سیاسی، ایجاد هر چه مرج و جنگ داخلی و... تمام این وسایل و شیوه ها برای رسیدن به هدف اصلی، که اختناق انقلاب ایران است، از نظر امریالیسم آمریکا مجاز و قابل قبول است. امریالیسم از هیچ جنایتی برای گذاردن طوق بردگی بگردن خلقها روگردان نیست. این طبیعی است. اما آنچه غریبیم است، برقراری ما نسبت به خطر امریالیسم و فراموش کردن این خطر اصلی در برهانی ترین لحظات تاریخ میهنمانست.

آری، وظیفه ملی و انقلابی ما حکم می کند که خطر امریالیسم، سرکردگی امریالیسم آمریکا را یک لحظه فراموش نکنیم. خلق را برای مقابله با توطئه ها و تحریکات این دشمن اصلی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران همواره هشدار و آماده نگاهداریم. بقول امام تمام قلمها و تفنگها را بسوی شیطان بزرگ - امریکا نشانه رویم. و آنوقت مطمئن باشیم که بز هم بقول امام آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند.

احزاب برادر به مناسبت شصتمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران، به حزب توده ایران شادباش می گویند

احزاب برادر کمونیست و کارگری از کشورهای مختلف جهان، بمناسبت شصتمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران، پیامهای شادباشی برای حزب توده ایران، وارث حزب کمونیست ایران، ارسال داشته اند که طی آن مبارزات و فداکاریهای کمونیستهای ایران و از بیکار دلیرانه و پیگیرانه حزب توده ایران در راه استقلال ملی، دموکراسی، پیشرفت اجتماعی، برضاهت امریالیسم، ارتجاع و استبداد تجلیل شده، همبستگی آنها با حزب توده ایران تجدید گردیده و پشتیبانی مجدد آنان از انقلاب بزرگ مردم ایران و مبارزه عادلانه آنان بر ضد امریالیسم، سرکردگی امریالیسم آمریکا، اعلام شده است.

ما ضمن سیاست صمیمانه از این همبستگی احزاب برادر، بتبریح پیامهای شادباش را به اطلاع خوانندگان گرامی میرسانیم.

بقیه در صفحه ۲

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۶۷
چهارشنبه ۴ تیر ۱۳۵۹ - شماره ۱۵ روال

رژیم دمکراتیک افغانستان بر غم تبلیغات مغرضانه و دروغ پردازیها، هر چه بیشتر استحکام و ثبات مییابد

آنست که دولت اتحاد شوروی بخشی از نیروهای محدود نظامی خود را از جمهوری دمکراتیک افغانستان خارج می سازد. بار دیگر ماهیت تبلیغاتی مغرضانه و دروغ پردازیهای شکست انگیز در باره رویدادهای افغانستان رسوا و افشاء میگردد.

نخست آنکه تصبیهدولت شوروی برای خروج بخشی از نیروی نظامی محدود خود از افغانستان، به افشاء تبلیغاتی و اختلال نظامی، و «تجاوز» و «مداخله مسلحانه علیه مردم افغانستان» پایان میدهد. دیگر اینکه ماهیت دروغ پردازیهای تبلیغاتی بشیوه گوبلز را در باره رویدادهای افغانستان قائل می سازد.

اگر بکارشما و اخبار محافل تبلیغاتی امریالیستی، که متاسفانه در رسانه های گروهی و مطبوعات جمهوری اسلامی ایران نیز عیناً بازتاب یافته و مییابد و مطالبی هم به استناد همراگان اسلامی افغانی، به آنها افزوده میشود، باور شود، تاکنون بیش از آن تعدادی که اتحاد شوروی به افغانستان واحد نظامی وارد کرده است، از افراد ارتش شوروی در جنگ با «جیش های اسلامی» در افغانستان، کشته، زخمی و یا اسیر شده اند، و علاوه بر این، هزاران تانک و توپ و کامیون و هواپیما و هلیکوپتر از نیروهای شوروی به قیمت گرفته شده و یا در دزدوخوردن سقوط کرده و از کار افتاده اند!

بگفته این تبلیغات در تمام شهرهای افغانستان نبرد میان بقیه در صفحه ۲

خبرگزاری رسمی اتحاد شوروی، تاس اعلام کرده طبق موافقت دولت اتحاد شوروی و جمهوری دمکراتیک افغانستان، بخشی از واحدهای نظامی محدود اتحاد شوروی، که بنابه تقاضای دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان، طبق پیمان دوجانبه موجود میان اتحاد شوروی و جمهوری دمکراتیک افغانستان، بمنظور کمک به رژیم ملی و دمکراتیک افغانستان در مبارزه علیه مداخله مسلحانه خارجی و شورشیان ضد انقلابی به این کشور اعزام شده بودند، از جمهوری دمکراتیک افغانستان خارج می شوند.

دولت اتحاد شوروی بارها در برابر تبلیغات محافل امریالیستی، که تلاش دارند کمک نظامی محدود اتحاد شوروی به رژیم ملی و دمکراتیک افغانستان را «مداخله نظامی شوروی» و «اختلال نظامی شوروی» وانمود سازند، رسماً اعلام کرده است که انگیزه و علت اعزام واحدهای محدودی از نیروهای مسلح اتحاد شوروی به افغانستان، که طبق تقاضای دولت قانونی آن کشور انجام گرفته است، وجود توطئه ها و مداخلات مسلحانه خارجی و اعزام گروه های مسلح تروریستی از خارج به این کشور بوده است، و خروج واحدهای نظامی شوروی از خاک افغانستان را، به قطع این مداخلات و توطئه ها علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان مشروط ساخته است.

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ، دلالان و محتکران است

قیمت ها به مرز خطر ناکی رسیده است

مواد پاک کننده کمیاب و گران است...

صابون و شامپو ۴۲ درصد و پودر لباسشویی ۵۷ درصد گرانتر از سال گذشته است.

فروشنده ها: سهمیه پودر لباسشویی هر سه ماه یک بار بدست ما می رسد.

شوم که از پودرهای دیگری که از لحاظ کیفی به پای آنها نمی رسد، استفاده کنیم. یک بار که برای گرفتن پودر شوما به مغازه آمدیم، بعد از مدت ها انتظار در صف دو سه نفر مانده بیهوشیم سهمیه فروشنده تمام شد. چشم دست خالی مجبور شدیم به خانه برگردیم. در حالی که می توانستیم در این مدت به خیلی از کارهای دیگر برسیم.

خبرنگار ما در این مورد میگوید: «الان مدت ۵ ماه است که پودر لباسشویی با کیفیت خوب به دستم نرسیده است. من هم مجبور می

گرامی، توام با بودن بشی مواد بهداشتی در بازار، موجب نارضایتی مردم شده است. پودر لباسشویی شوما، که جزء یکی از عمده ترین کالاهای روزمره مردم محسوب می شود، بطور محسوس در بازار کمیاب است. بطوریکه گاهی مردم برای گرفتن یک قوطی پودر شوما، مدت ها در صف به انتظار می مانند. این کالا که به صورت سهمیه به فروشنده ها داده می شود، بطور غیرمعمول در دسترس مشتری قرار میگیرد. احمد باقری یکی از فروشنده

در صفحات بعد

بمناسبت شصتمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران (۳) تشکیل حزب کمونیست ایران یک رویداد تاریخی

به اخراج بی رویه کارگران از کارخانه ها خاتمه دهید!

مسائل کارگری - صفحه ۴

تور کمن صحرا در گرما گرم کار و برداشت محصول

مسائل دهقانی - صفحه ۵

سومین شماره

منتشر شد

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

از مبارزه آنان علیه نیروهای ضدانقلابی و مداخله مسلحانه خارجی، بر ابرقشای دولت قانونی آن کشور به افغانستان اعزام شدند. اما واقیبات سرسخت تر از آنند که بتوان خیال پردازیه ویا دروغ- پردازیه های مغرضانه را بجای آن بخورد مردم داد.

لئونید برژنف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورویا ملی اتحاد شوروی در جلسه اخیر پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، ملی تعلق خود به رویدادهای افغانستان اشاره کرد و گفت:

«مخالف حاکمه آمریکا و چین از تجاوز و مداخله مسلحانه برای بازداشتن خلق افغانستان از سزای زندگی نوین طبق آرمان- های انقلاب آزادیبخش آوریل ۱۹۷۸ فروگذار نکردند و هنگامی که ما به همسایه خود افغانستان، بدرخواست دولت آن کشور، برای دفع تجاوز و سرکوب حملات پاندهای مسلح، که بطور عمده از سر- زمین پاکستان عمل میکنند، کمک کردیم، هیاهوی بیسابقه ای از سوی واشنگتن و پکن برپا شد. چه اتهاماتی که علیه اتحاد شوروی عنوان نشده، تمایل برای رسیدن به آنها کرد، قصد تصرف منابع نفت دیگران و غیره. اما واقعیت اینست که طرح های مربوط به کشفادن افغانستان به سیاست امپریالیستی و تهدید کشورها از جنوب باشکست روبرو شد. اقدام شوروی در زمینه کمک به افغانستان بهیچوجه انگیزه خودخواهانه ندارد. ما راهی جز این نداشتیم و روتن رویه ادعا ثابت کرد که این یگانه راه درست بوده است.

زندگی در افغانستان اکنون بتدریج بر ووال عادی خود بازمی گردد. دسته های بزرگ اوباشان و ضدانقلابیون تارومار شده اند. مداخله گران شکستی جدی متحمل شده اند. در این شرایط ما تصمیم گرفتیم که بخشی از یگانهای خود را از افغانستان خارج کنیم و این اقدام باتوافق دولت افغانستان و رهبران رفیق بزرگ کارمل صورت گرفته است. البته مادر ساختمان زندگی نوین و حفظ دستاوردهای انقلاب در افغانستان همچنان کمک خواهیم کرد.

بدینسان تعبیر خروج بخشی از نیروهای نظامی محدود اتحاد شوروی فقط چنین است؛ تثبیت و تحکیم جمهوری دموکراتیک افغانستان و حسن نیت اتحاد شوروی.

رژیم دموکراتیک افغانستان...

بقیه از صفحه ۱

نیروهای شوروی و کمونیستهای افغانی با «مجاهدین اسلامی» جریان دادند، کابل بسیاری دیگر از شهرهای افغانستان در انحصار پس میبندند، و بهر کلام رئیس جمهور افغانستان، که در برابر یک چنین اوضاع بحرانی و کنترل اوضاع خود را از دست داده، اقدام به خود- کشی کرده و بدین ترتیب «رژیم کمونیستی دست نشانده شوروی» در افغانستان در آستانه سقوط است!

اعلامیه خیرگزاری رسمی اتحاد شوروی «تاس»، از جانب کسانی که در اثر بی اطلاعی به دام این تبلیغات سرابادروغ افتاده بودند، با تعجب و حیرت تلقی میشود، زیرا برای آنان چنین سؤالی مطرح میشود: در حالی که رژیم بزرگ کارمل در اثر فوجات «مبارزان مسلمان» افغانستان در آستانه سقوط قرار گرفته، و حتی رئیس جمهور افغانستان از راه لاعلاجی اقدام به خودکشی میکند، چگونه است که دولت شوروی باتوافق دولت دموکراتیک افغانستان تصمیم به خروج بخشی از واحدهای نظامی خود از افغانستان میگیرد و رژیم دست نشانده، خود را در برابر «مبارزان مسلمان» افغانی بی یاری و یاور میگذارد؟!»

گرچه پارهای از روزنامهها حتی اطلاعاتی تاس را درباره خروج بخشی از واحدهای نظامی محدود شوروی از افغانستان، زیر عنوانهای چشمگیر «عقب نشینی واحدهای شوروی از افغانستان» و «نیروهای نظامی شوروی از افغانستان عقب نشینی کردند»، منتشر ساختند، و با اصرار نمیخواهند این واقعیت را بپذیرند که، خروج بخشی از نیروهای محدود شوروی از افغانستان، نشانه ثبات و استحکام هر چه بیشتر رژیم جمهوری دموکراتیک افغانستان و افزایش اعتماد و پشتیبانی روزافزون زحمتکشان و تمام طبقات و قشرهای اهالی از انقلاب و رژیم ملی و دموکراتیک افغانستان است، و از سوی دیگر این واقعیت را به اثبات میرساند که واحدهای محدود نیروهای شوروی فقط بخاطر دفاع از دستاوردهای انقلابی مردم افغانستان و پشتیبانی

پاسخ اداره کل ارشاد ملی و اداره کل کار و امور اجتماعی استان اصفهان به نامه «مردم»

در نامه «مردم» شماره ۱۹۶ خیری داشتیم تحت عنوان: «مشکلات جانفرسای کارگران معدن سرب نخلک (نالیق)» که در آن از جمله آمده بود:

«کارگران این معدن میگویند که در محیط کار با دود سربی و هوای کثیف و گاز متان، که باعث مسمومیت شدید می شود، سر و کار دارند و از عمق ۴۰۰ متری سنگ را از دل کوه بیرون می کشند. کارگران میگویند که با این کار دشواری که در آنجا می کنند، گاه فلج می شوند و در مواردی جان خود را از دست می دهند و هیچکس ب فکر آنها نیست.» در ارتباط با موارد مذکور در خبر فوق، از طریق اداره کل ارشاد ملی و اداره کار و امور اجتماعی استان اصفهان تحقیقاتی به عمل آمده و اداره کار استان اصفهان طی نامه ای به ارشاد ملی،

احزاب برادر به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران به حزب توده ایران شادباش میگویند

حزب سوسیالیست متحد آلمان

مبارزه دشوار کنونی حزب توده ایران را برای دفاع از حقوق دموکراتیک و منافع اجتماعی مردم ایران با همدردی و ستایش دنبال میکند

نامه شادباش کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای گرامی! بنام کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان و شخص خود، شصتمین سالگرد پایه گذاری حزب کمونیست ایران را به همه اعضای حزب توده ایران شادباش میگویم و درود درمچوینا میفرستم. ملهم از ما در کمپین لنینیسم و انتی ناسیونالیسم پروولتری، کمونیست های ایران شصت سال است که برای هر روزی زحمتکشان و آزادی مردم ایران، علیه فرمانروایی امپریالیستی، ست می و استثمار اجتماعی می رزمند. حزب کمونیست ایران، تاس کوب آن از سوی رژیم ارتجاعی رضاشاه در سال ۱۹۳۷، در درده مقدم این پیکار قرار داشت. بسیاری از رفقا با جان نثاری خود برای همه قشرهای خلق، یونیزه طبقه کارگر و جوانان ایران، نمونه ای درخشان بجای گذاشتند. حزب توده ایران، که در سال ۱۹۴۱ (۱۳۲۰) تأسیس شد، در شرایط قانونی و غیر- قانونی، مبارزه برای انجام رساندن و سبای قهرمانان آغازگر مبارزه را با اراده خلیل ناپذیر و فداکارانه ادامه داد. پس از سرنگونی رژیم شاه در آغاز ۱۹۷۹ (بهمن ۱۳۵۷) حزب توده ایران

دوش بدوش نیروهای میهن پرست مسلمان، بدفاع از انقلاب خلقی ایران، در مقابل ضابط امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی، بیاختاست. حزب سوسیالیست متحد آلمان مبارزه دشوار کنونی حزب شما را برای دفاع از حقوق دموکراتیک و منافع اجتماعی مردم ایران با همدردی و ستایش دنبال میکند. شادمند و خوشنودیم که مناسبات سنتی میان حزب سوسیالیست متحد آلمان و حزب توده ایران بر پایه اصول مارکسیسم-لنینیسم و انتی ناسیونالیسم پروولتری رو به گسترش است. حزب سوسیالیست متحد آلمان پیروزیهای بیشتر حزب توده ایران را در تحکیم وحدت و بهم پیوستگی آن در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، برای صلح، استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی خواستار است.

با درودهای سوسیالیستی کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان
۱. هونگر
۵. دیبرکل

حزب کمونیست آلمان:

ما برای حزب توده ایران که یکی از مستحکم ترین سنگرهای انقلاب ایران و از پیگیر ترین پاسداران دستاوردهای آن بشمار میرود، ارج فراوان قائلیم پیام شادباش حزب کمونیست آلمان به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای گرامی! کمیته اجرایی حزب کمونیست آلمان درودهای صمیمانه و برادرانه خود را، بمناسبت شصتمین سالگرد پایه گذاری حزب کمونیست ایران، به شما و همه اعضای حزب توده ایران ابراز میدارد. حزب توده ایران، بمثابه نیروی میهنی و حامل اندیشه های عمیقاً پشردستانه مارکس، انگلس و لنین، که پیوسته همبستگی بین المللی را در حمایت خود قرار داده است، میتواند بخود ببالد، که از سن درخشان پیکار علیه خودکامی وستم امپریالیستی و برای صلح و استقلال ملی راستین برخوردار است. همبستگی عمیق حزب توده ایران را با مردم ایران میتوان در مبارزه آن برای براندازی فرمانروایی فئودالیسم، در راه اصلاحات ارضی پسودو فئودال و مصالح اجتماعی کارگران و دیگر قشرهای زحمتکش خلق جستجو کرد. ما برای حزب توده ایران، که در پیکار علیه دیکتاتوری شاه و برای آزادی، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی جانها باخته است و یکی از مستحکم ترین سنگرهای انقلاب ایران و از پیگیر ترین پاسداران دستاوردهای آن بشمار میرود، ارج فراوان قائلیم. ما با قاطعیت با کسانی که به کارزار بهتان آمیز علیه انقلاب ایران دامن میزنند، مبارزه برخاسته ایم و خواهان، لغو اقدامات تحریم آمیز دولت جمهوری فدرال آلمان علیه ایران هستیم. ما یاد دیگر همبستگی بین المللی خود را با حزب توده ایران و همه نیروهای انقلابی و دموکراتیک ایران یاد آور می شویم.

با درودهای کمونیستی هر بروت مینر صدر حزب کمونیست آلمان

حزب سوسیالیست کارگری مجارستان:

حزب توده ایران در پیکار برای سرنگونی دیکتاتوری ظالمانه و سرکوبگرانه علیه سیاست امپریالیسم و استقلال و آزادی ایران نقشی برجسته ایفا کرده است.

پیام شادباش کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان به کمیته مرکزی حزب توده ایران

بنام شصتمین سالگرد بنیانگذاری حزب کمونیست ایران، کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان و کمونیست های مجارستان به کمیته مرکزی حزب توده ایران و همه اعضای آن، درود صمیمانه و برادرانه می فرستند. کمونیست ها و همه زحمتکشان مجارستان که به ساختمان سوسیالیسم در کشور ما مشغولند برای مبارزه خشکی ناپذیر شصت ساله کمونیست های ایران در شرایطی بس توان فرسا و پسودو توده زحمتکشان، پیشرفت اقتصادی کشور و اتحاد همه نیروهای مترقی، ارزش فراوان قائلند. حزب توده ایران در پیکار برای سرنگونی دیکتاتوری ظالمانه و سرکوبگرانه، علیه سبادت امپریالیسم و استقلال و آزادی ایران نقشی برجسته ایفا کرده است. حزب شما، در مبارزه برای پایان دادن به وضع دشواری که امپریالیسم آمریکا در کشورتان پدید آورده است و در راه حفظ امنیت منطقه و پاسداری از صلح جهانی، در آینه نیز همچنان، از دوستی انتی ناسیونالیستی و همبستگی کمونیست ها و زحمتکشان مجارستان، برخوردار خواهید شد. در این روز تازاری حیات حزبتان، پیروزی شما در پیکار فداکارانه تان در راه پیشبرد منافع مردم ایران، پیشرفت و دگرگونی های اجتماعی ایران خواستاریم. کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان

نتیجه بررسی بازرس کار را اعلام داشته است. در این نامه از جمله میخوانیم: «در بازدیدیکه اسفندماه سال گذشته توسط بازرس کار این اداره کل از معدن نخلک بعمل آمده است، نواقص مشاهده شده که طی ابلاغیه شماره ۴۰۵ مورخ ۱۳۹۱/۱۴/۵ جهت رفع نقائص به رئیس معدن مذکور ابلاغ گردید. ضمن بازدید مجدد که در تاریخ ۱۳۹۱/۳/۳۱ از آن معدن بعمل آمده، مشاهده شد برخی از نواقص ابلاغیه مزبور مرتفع گردیده و چهار مورد از نواقص به قوت خود باقیست که رئیس معدن متعهد شده در اسرع وقت نواقص موجود را رفع نماید.» نامه «مردم» - اقدامات مراجع مسئول استان اصفهان، در زمینه پیگیری مسایل کارگران معدن فوق و رسیدگی به خواست های آنان، عملی است در راستای انقلاب. شایسته است که همه مسئولین پس از انقلابی که امام خمینی بدرستی آن را از آن کوخ نشینان خوانده است، در رفع لکهای تنگ دوران طاغوت، که همچنان بر بیضای جامعه، سایه افکنده است، بکوشند. توفیق هر چه بیشتر نهادها و افرادی را که در راستای انقلاب و بسود زحمتکشان در تلاشند، خواستاریم.

کمک مالی
به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است

کمک مالی را میتوان مستقیماً به دفتر حزب داد ویا با تلفن های ۹۳۵۷۲۸ ویا با تلفن های ۹۳۳۳۵۹ - آمارا کی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این، علاقمندان میتوانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کی منش و به شماره ۳۳۳۳۲۲ شبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند. از کمک کنندگان خواهشمندیم فتوکپی فیش بانکی را برای ما ارسال دارند.

نامه «مردم»
به زبان آذربایجانی منتشر شد

حزب کمونیست ایتالیا:

در شرایط دشوار و بحرانی انقلاب ایران، اهمیت و ضرورت فعالیت حزب توده ایران، بمثابه نیروی میهن دوست، دموکراتیک و ضد امپریالیست، هر چه بیشتر احساس میشود

پیام شادباش کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز، بمناسبت شصتمین سالگرد پایه گذاری حزب کمونیست ایران، درودهای گرم و برادرانه ما را بپذیرید. کمونیست های ایران پیوسته نقش سترگی در پیکار علیه فئودالیسم، ارتجاع و امپریالیسم بازی کرده اند. مبارزه و فداکاری رزمندگان و رهبران حزب شاد در راه استقلال، آزادی و پیشرفت، در دوران دیکتاتوری خائفانان پهلوی، پیکاری است فخر آفرین. در شرایط دشوار و بحرانی انقلاب بزرگ ایران، اهمیت و ضرورت فعالیت حزب توده ایران، بهشابه نیروی میهن دوست، دموکراتیک و ضد امپریالیست، هر چه بیشتر احساس میشود. ما گسترش این فخر را آرزو مندیم. حزب کمونیست ایتالیا، ضمن اعلام همبستگی کماکان خود، پیروزیهای بیشتر شما را در راه استقلال، دموکراسی و پیشرفت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خواستار است.

پیام شادباش کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای گرامی! بمناسبت شصتمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران، بهترین شادباش ها و گرم ترین درودهای حزب کمونیست فرانسه را بپذیرید. پیروزی مردم ایران علیه دیکتاتوری خونخوار شاه و امپریالیسم آمریکا در سال ۱۳۵۷ شادمانی عمیق ما را برانگیخت. ما بخوبی به نقش شکرانی که حزب شما در این انقلاب ایفا کرد، واقفیم و برای شرکت شادمان جنبش خلقی ایران اهمیت فراوان قائل هستیم. پیکار شما برای پاسداری از دستاوردهای انقلاب ایران و در راه استقلال، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی کشورتان همواره از ستایش ما برخوردار خواهد شد. اطمینان داشته باشید که حزب کمونیست فرانسه همواره به همبستگی خود با شما خواهد افزود. کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه

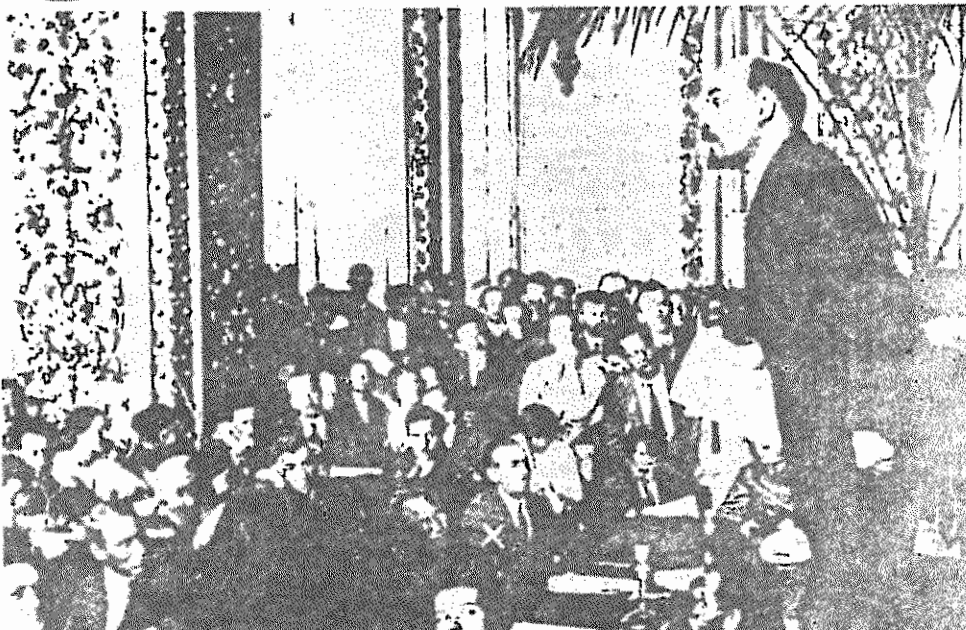
تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

بمناسبت شصتمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران (۳)

تشکیل حزب کمونیست ایران یک رویداد تاریخی



اسدالله غسارزاده، از رهبران حزب کمونیست ایران



سلطان زاده، از رهبران حزب کمونیست ایران، نماینده حزب در جلسه کمیته مرکزی با حضور لنین

اولاً - از آن جهت که این اتفاق آن نمایندگان هم که از خارج ایران آمده بودند، از مجاهدین ایرانی «اجتماعیون عامیون» بودند. ثانیاً - اکثر نمایندگان چندین سال سابقه فعالیت سیاسی و انقلابی داشته و از طبقات کارگر و دهقان بیرون آمده بودند. ثالثاً - در میان استان‌های ایران، بطور عمده نواحی شمالی نماینده اعزام داشته بودند و بین آنها نیز آذربایجان، که همیشه در صفوف مقدم جنبش انقلابی ایران قرار داشته، مقام اول را حائز بوده است.

رابعاً - علت ضعف فعالیت حزبی در سایر نقاط ایران، از یکسو اشغال آن نواحی بوسیله امپریالیستهای انگلیسی و از سوی دیگر عدم توجه کافی از جانب رهبری حزب (در مدارک این دوره همیشه بنوعی شمالی توجه شده) بوده است.

پس از تدارک لازم، ۲۲ ژوئن (اول تیر) کارمندان آرزو کنگره را افتتاح میکنند. کنگره ولادیمیر ایلیچ لنین، نریمان نریمانوف و دیگر رهبران برجسته حزب کمونیست شوروی را به هیئت رئیسه افتتاحی و کارمندان آرزو کنگره، جوانزاده، علیخانزاده، میرشیر قاسمزاده را به هیئت رئیسه برمیگزیند. چون خلاصه صورتجلسه کنگره چندین بار چاپ رسیده است، پیرامون آن سخنی نمی‌گوئیم. همینقدر اضافه می‌کنیم که کنگره در جلسه سوم خود (۲۴ ژوئن) نظامنامه حزب را تصویب نمود و سپس کمیته مرکزی را مرکب از ۱۵ نفر انتخاب کرد.

اگر از جزئیات صورتجلسه و دیگر اسناد کنگره و مباحثاتیکه پیرامون گرایشهای «چپ» و راست در این کنگره شده است، بگذریم، یک نکته جالبترید باقی نمی‌گذارد و آن وجود بعضی اشتباهات «چپ» است، که در آن دوره (دوره تکوین و طفولیت این احزاب) برای خیلی از احزاب کمونیست روی میداد. برای کمک به این احزاب بود که ولادیمیر ایلیچ لنین اثر مشهور خود «بیماری کودکان «چپ‌روی» در کمونیسم» را نوشت. بطوریکه در کتاب «کمیترون و خاور» (چاپ مسکو، ۱۹۶۶، صفحه ۱۰۵) آمده است. «هنوز قبل از کنگره «چپ‌ها» بین گروه رهبری کمونیستهای ایران تقووت داشتند.»

این نظر با اسنادیکه در دست است، مطابقت دارد. دیده میشود که همان گرایش «چپ»، که در سالهای انقلاب مشروطیت بین «اجتماعیون عامیون» بوجود آمده بود (در بخش پیش بدان اشاره شد) بعدها نیز ادامه و گسترش یافته بود. بویژه تحت تاثیر جو انقلابیکه در اوج جنبشهای رهاییبخش ضد - امپریالیستی در شمال ایران بوجود آمده بود، این گرایش «چپ» قوت میگرفت. در کتاب «کمیترون و خاور» در زهره این «هواداران نظریات «چپ» بین اعضای رهبر کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران، از نماینده حزب در کمیته مرکزی سلطانزاده» نام برده شده است. سپس در این کتاب چنین می‌آید:

«شخص اخیر در کنگره «عدالت» و هم در کنگره دوم کمیترون ثابت میکرد که ایران در برابر انقلاب سوسیالیستی ایستاده و مرحله انقلاب بورژوا - دمکراتیک را سپری کرده است.»

نویسنده در اینجا به «اخیر کنگره دوم کمیترون» (چاپ مسکو، ژوئیه ۲۹، ۱۹۲۰، شماره ۲، صفحه ۱) استناد کرده اضافه میکند:

«سلطانزاده موضع «چپ» روانه خود را بعدها نیز دفاع میکرد.» (همان کتاب، صفحه ۱۰۵ - ۱۰۶) صحبت بر سر این نیست که اکثر قریب به اتفاق محققین فیصاحت، با استناد مدارک و اسناد موجود، چنین عقیده‌ای دارند. صحبت بر سر این هم نیست که حتی چه کسی در کنگره و قبل یا بعد از آن، دارای گرایشهای «چپ» و یا راست بوده است. گفتگو بر سر این نیز نیست که چگونه چپ‌نماهای امروزی، دیرپرده باصلاح دلسوزی برای «چپ‌روان» دیرپرده (که در حال از کوشندگان جنبش کمونیستی و کارگری ایران بوده‌اند) و در برابر هم گذاشتن آن کوشندگان (نظیر حیدرخان و سلطانزاده) در واقع سعی در تضعیف جنبش انقلابی رهاییبخش ملی و ضد امپریالیستی امروز ایران دارند. سخن بر سر واقعیتها و سرسخت تاریخ است، که دیرپرده در عمل کار خود را کرده، امروز را پیر ریخته و برای عقل سلیم و روشن بین درس عبرتی است.

به دو سند که این «هواداران» سلطانزاده خود آورده‌اند، توجه کنیم:

۱- از سخنان سلطانزاده در کنگره دوم کمیترون: «عصر انقلاب جهانی آغاز گشته است» (جلد ۴، صفحه ۱۵) و منظور خود را از «انقلاب جهانی» در «تره‌های» چنین توضیح میدهد:

منتخبه در کنفرانس تاشکند، در تدارک کار کنگره اول حزب کمونیست ایران سهم‌بزرگی داشته‌اند. در همین اوقات، یعنی اوایل سال ۱۲۹۹، هنگام تدارک هفدهمات نخستین کنگره موسسان حزب کمونیست ایران، حیدرخان مقاله‌ای تهیه میکند، که در آن ارزیابی واقع‌بینانه‌ای از وضع ایران و بویژه انقلاب گیلان بعمل آمده است. این مقاله یک هفته قبل از گشایش کنگره در مجله «زندگی ملیتها» (چاپ مسکو، ۱۵ ژوئن ۱۹۲۰) زیر عنوان «بنیاد اجتماعی انقلاب ایران» از چاپ خارج شد. (ترجمه فارسی آن نیز از روی متن فرانسه منتشر شده است).

در این مقاله حیدرخان متذکر می‌شود که: «در ایران انقلاب صورت گرفته است. ولی حکومت تهران شکست خورده است و احتمالاً قسار است بکمک سرنیزه و تیرهای انگلیسیها قدرت خود را استوار سازد.» حیدرخان به رویدادهای انقلاب مشروطیت (گلوله باران مجلس توسط محمد علی میرزا ولیاخیف) اشاره میکند و متذکر میشود که: «حکومت گیلان نخواهد توانست برای مدت مدیدی نیروی خود را استحکام بخشد.»

با بررسی اجمالی از جنبش ضد امپریالیستی ایران (از «قیام تباکو» تا انقلاب مشروطیت) حیدرخان متذکر میشود که: «کمونیستهای ایران باید بتوانند از تجربیات جنبش کارگری و بویژه جنبش دهقانی سالهای انقلاب مشروطیت استفاده کنند و انقلاب ملی را بتدریج به انقلاب اجتماعی بدل سازند.»

نکته جالب در این مقاله بویژه بخشی از آنست که حیدرخان امکانات انقلابی بورژوازی ایران را در مبارزه رهاییبخش ملی و ضد امپریالیستی ارزیابی میکند و متذکر میشود که در مراحل اولیه مبارزه علیه امپریالیسم انگلیس و حکومت ارجاعی شاه «ما حق داریم منتظر باشیم که بخشی از بورژوازی متوسط و حتی بزرگ نیز در میان نیروهایی که علیه حکومت تهران قیام خواهند کرد، وجود داشته باشند.»

در اوج جنبش رهاییبخش ملی و ضد امپریالیستی در ایران، پس از شکست نیروهای اشغالگر انگلیسی و گارد سفید، زیر ضربات شکننده ارتش سرخ و قیام متحد نیروهای انقلابی («جنگلیها»، «اجتماعیون عامیون»، روشنفکران انقلابی و کشاورزان مزدور) در گیلان رسماً «حکومت جمهوری شوروی ایران» اعلام میشود. این حکومت تلگراف تبریک به لنین به مسکو مخابره میکند. در این شرایط است که روزهای اول تیر ماه ۱۲۹۹، کنگره «حزب سوسیال دمکرات (اجتماعیون عامیون) ایرانیها» «عدالت»، درانزلی برگزار میشود و رسماً نام «حزب کمونیست ایران» را می‌پذیرد.

اسناد کنگره حاکی از آنست که ۵۱ نفر نماینده و ۹ نفر مهمان به کنگره اعزام شده بودند، که ۴۸ اعتبارنامه (نمایندگان با رای قطعی) به تصویب میرسد. ضمناً اسناد موجود صراحت دارد بر اینکه، ۲۲ نفر نماینده از ترکستان، داغستان، گرجستان، باکو و گنجه (کیروف آباد کنونی) اعزام شده بودند (که شاید ۳ نفر بعلی به کنگره نیامده، یا اعتبارنامه‌های آنها به تصویب نرسیده باشد) و ۲۴ نفر نماینده از شهرهای مختلف ایران در کنگره شرکت داشته‌اند، به شرح زیر:

میدارد، تا با سازمانهای دوجود و پراکنده در ایران تماس بگیرند. اسناد موجود و خاطرات کوشندگان «اجتماعیون عامیون»، که در دست است (کارمندان آرزو کنگره، داداش حسینزاده، علی‌عسکر علیزاده و دیگران) نشان میدهد که اواخر سال ۱۹۱۹ (آذر ۱۲۹۸) گروههای «اجتماعیون عامیون» در شهرهای زیر فعالیت میکردند:

تبریز، تهران، رشت، قزوین، زنجان، مشهد، مازندران، مرند، خوی، اردبیل و خلخال. در شرایط دشوار زیرزمینی، اوایل سال ۱۲۹۲، مقدمات تشکیل حزب کمونیست آذربایجان فراهم میشود. ۱۱ فوریه (بهمن ۱۲۹۸) احزاب «همت» و «عدالت» در باکو بطور کلی به سازمانهای محلی حزب سوسیال دمکرات کارگری (پلشویک) روسیه می‌پیوندند و «حزب کمونیست آذربایجان» را بوجود می‌آورند (تاریخ حزب کمونیست آذربایجان - باکو ۱۹۵۸ - ص ۳۴۷). در عین حال یک «هیئت مرکزی» از حزب «عدالت» (به‌صورت آقابابا یوسفزاده و دبیری پیشه‌وری جوانزاده) تشکیل میشود، تا باور مربوط به «اجتماعیون عامیون ایران» ادامه دهند. در همین ماه فوریه، کمیته مرکزی حزب «عدالت» برای برگزاری کنفرانس سازمانهای خود در آسیای میانه (در آن هنگام در بیش از ۵۰ نقطه از شهرها و قشلاقهای آسیای میانه نیز سازمانهای «عدالت» وجود داشته است) اعضای کمیته مرکزی (علیخانزاده و فتح‌اللهزاده) را اعزام میدارد. از یکم تا سوم آوریل (فروردین ۱۲۹۹) در شهر تاشکند، با حضور ۱۷ نفر نماینده برای رای قطعی و عده‌ای مهمان، کنفرانس تشکیل میشود. نمایندگان حزب کمونیست (پلشویک) روسیه، کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکستان و شوروی تبلیغات بین‌المللی خاور کمیترون افتتاح کنفرانس را تبریک میگویند. در کنفرانس، حیدرخان عموغالی پیرامون وضع سیاسی و اقتصادی در ایران، علیخانزاده درباره تاکتیک حزب و مصطفی صبحی (بنیانگذار حزب کمونیست ترکیه، از شرکت کنندگان کنگره یکم کمیترون) درباره مسئله سازمانی و سلطانزاده (اوتیس میکائیلیان) درباره تشکیل دسته‌های کارگری و شوراهای کارگری - دهقانی گزارش میدهند. کنفرانس در آخرین جلسه خود یک «کمیته هفت نفری» (حیدر خان، سلطانزاده، فتح‌اللهزاده، حیدر خان و دیگران) انتخاب میکند. از جمله تصمیمات مصوبه کنفرانس، لزوم کمک و مساعدت همه‌جانبه به جنبش دمکراتیک و رهاییبخش ملی در ایران بوده است.

درباره جنبشهای رهاییبخش ملی ضد - امپریالیستی در گیلان، آذربایجان و خراسان، که پس از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اوج گرفتند، در مقالات و کتب عده‌ای صحبت شده است. از جمله چندین پیش «بمناسبت صدمین سالگرد تولد انقلابی بزرگ، حیدرخان عموغالی» در شماره‌های نامه «مردم» (۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، سال ۱۳۵۸) گفتگو شده است. همینقدر یادآور میشویم که با استقرار حاکمیت شوروی در آذربایجان (۲۸ آوریل ۱۹۲۰ برابر ۸ اردیبهشت ۱۲۹۹) نیروهای اشغالگر انگلیسی، زیر ضربات ارتش نوین سرخ، در حال فرار (ماه مه ۱۹۲۰) به‌انزلی عقب نشینی میکنند. جنبش انقلابی گیلان اوج میگیرد. «اجتماعیون عامیون ایران» امکان می‌یابند که کنگره خود را در این سامان برگزار کنند. با تدارک مقدماتی که در این استان دیده شده بود، اوایل ژوئن ۱۹۲۰ (اواسط خرداد ۱۲۹۹) بیست نفر از کوشندگان حزب از باکو به‌انزلی می‌آیند. اسامی این هیئت ۲۰ نفری نشان میدهد که هم «هیئت مرکزی» متشکله در باکو و هم «کمیته هفت نفری»

سوسیال دمکراتهای ایران، پس از شکست انقلاب مشروطیت و بعد از آن، طی جنگ جهانی اول، چه در ایران و چه در مهاجرت (در اروپای غربی و بویژه در روسیه) فعالیت خود را ادامه دادند. اوائل جنگ جهانی (۱۲۹۳) گروهی از مجاهدین «اجتماعیون عامیون» و کارگران معادن نفت باکو، برهبری اسدالله غسارزاده (صدر) میرزا اقوام (کاتب)، بهرام آقاییف، باباهاشمزاده (پس از کشته شدن میرزا اقوام در مجموع مسلحانه مساواتیها در اسماعیلیه، او کاتب «عدالت» شد) رستم کریمزاده، سیف‌الله ابراهیمزاده و دیگران، که نظرات و میننگهای اعتراضی کارگران را تشکیل میدادند، خود را گروه «عدالت» نامیدند. پس از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ (بهمن ۱۲۹۵) در روسیه و سقوط حکومت تزاری (تشکیل حکومت بورژوازی بریاست کرسنکی) انقلابیون آذربایجانی و ایرانی مقیم روسیه امکان یافتند که فعالیت سیاسی خود را علنی کنند، متشکلتر سازند و مراکز رهبری خویش را برپا نمایند.

ماه مه ۱۹۱۷ (اردیبهشت ۱۲۹۶) حزب سوسیال دمکرات (اجتماعیون عامیون) ایرانیان، «عدالت» رسماً شروع بکار میکند و مراسم خود را به دوزبان آذربایجانی (مفصل) و فارسی (مختصر) در باکو چاپ و منتشر می‌نماید. در بخش فارسی این مراسمنامه در صفحه ۱۲۷ از جمله چنین آمده است: «از جمله طلبات عدالت آنستکه اصول حیات و هیئت‌باینداساسا موافق قانون سوسیالیسم (اجتماعیت) تبدیل شود، تا اینکه به نمره زحمت زحمتشان تنها دولت‌مندان صاحب نباشند.»

در این زمان گروه «همت» نیز شروع به فعالیت سازمانی و تبلیغاتی میکند و روزنامه خود را منتشر می‌سازد. در نخستین شماره روزنامه «همت» (۳ ژوئیه ۱۹۱۷ برابر ۱۲ تیر ۱۲۹۶) حزب مقصد اصلی خود را سرنگونی سرمایه‌داری و برقراری سوسیالیسم اعلام میکند و برای نیل به این مقصود «همه مسلمانان، کارگران، زحمتکشان، روشنفکرانیکه وجدانشان بیدار است، زیر پرچم اجتماعیون عامیون «همت» فرا - میخوانند.»

پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، که حزب لنین سازماندهنده آن بود، دوران نوین تاریخ جهان را می‌گشاید. با پیروزی اکتبر، سوسیالیسم واقعی پادجهان می‌گذارد و گذار تاریخی جامعه بشری از نظامهای طبقاتی استعماری به نظام فارغ از هرگونه ستم ملی و اجتماعی آغاز میشود. با سقوط حکومت بورژوازی روسیه، زحمتکشان ایرانی مقیم آن کشور امکان گسترده‌ای جهت فعالیت اجتماعی - سیاسی و ایجاد حزب خود بدست می‌آورند. البته این امکان چند ماه بعد (ماه اوت ۱۹۱۸ - مرداد ۱۲۹۷) بعلت شروع مداخلات ملحقانه دول امپریالیستی علیه نخستین دولت سوسیالیستی جهان و اشغال نواحی جنوبی آن کشور تاندارهای محدود میشود. اما «اجتماعیون عامیون» در صفوف «همت» و «عدالت»، در شرایط دشوار زیرزمینی به مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم ادامه میدهند.

هنگامیکه خطر اشغال باکو بوسیله انگلیسی‌ها (به‌کمک اسرهای مساواتچی‌ها، دانشکده‌ها و غیره) میرفت در ۱۷ ژوئیه ۱۹۱۸ (تیر ۱۲۹۷)، کنفرانس انقلابیون برگزار میشود، که طبق قطعنامه آن، هر دو حزب «عدالت» و «همت» در اعلامیه مشترکی همه اعضای خود را برای دفاع از انقلاب به خدمت ارتش دعوت میکنند.

پس از اشغال باکو توسط انگلیسیها (اوت ۱۹۱۸) اولین کمیته حزب «عدالت» (سپتامبر ۱۹۱۸ شهریور ۱۲۹۷) منحل می‌گردد، اما فعالیت حزب ادامه دارد، تا ماه مارس ۱۹۱۹ (اسفند ۱۲۹۷)، که دومین کمیته «عدالت» تشکیل میشود و به‌انتشار مطبوعات زیرزمینی خود «حرمت» و «یولداش» به زبانهای فارسی و آذربایجانی شروع میکند.

۲۰ مارس (اسفند ۱۲۹۷) این حزب پیام تبریک خود را به کنگره موسسان انترناسیونال سوم کمونیستی (کمیترون)، که به‌ابتکار و رهبری لنین در مسکو تشکیل شده بود، ارسال میدارد. واقعیتها و اسناد انکارناپذیر تاریخی نشان میدهد که، برخلاف آنچه دشمنان (راست و «چپ») جنبش کمونیستی و کارگری ایران ادعا کرده و میکنند، این جنبش و حزب نبودستور کمیترون، بلکه در متن واقعیتها اجتماعی - اقتصادی کشور، بر اساس ضروریات رشد تاریخی آن و در ارتباط ذاتی با انترناسیونالیسم پرولتری تکوین یافته، رشد پیدا کرده و شکل گرفته است.

لنین بزرگ و هم‌زمان هم‌ارگان انقلابیون و سوسیال دمکراتهای دیگر کشورها، از جمله کشورهای خاور (مانند حیدرخان عموغالی و سلطانزاده از ایران، مصطفی صبحی از ترکیه و دیگران) از نزدیک در تماس بوده، با آنها مشورت و تبادل نظر کرده، از هیچ یاری فکری و سازمانی به آنها دریغ نکرده‌اند. و این انترناسیونالیسم پرولتری، که از مشخصات عمده جنبش کارگری و کمونیستی است - چون سبب نیروی پرتوان آنست - همواره در معرض هجوم بدخواهان قرار گرفته است.

حزب «عدالت» همیشه با انقلابیون در ایران در تماس بوده و اعضای آن از ایران به باکو و از باکو به ایران رفت و آمد کرده‌اند. از جمله در ماه مه ۱۹۱۸ (اردیبهشت ۱۲۹۷) حزب ۱۸ نفر را برهبری صدر خود، اسدالله غسارزاده، برای برقراری ارتباط با میرزا کوچک خان اعزام میدارد که فقط ۳ نفر از آنها به ایران میرسند، ولی آنها هم موفق به ملاقات با کوچک خان نمی‌شوند (اسدالله غسارزاده در اثر تحریرات مخالفین در شهر رشت کشته میشود). حزب در سالهای بعد نیز گروههایی را اعزام

تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیکی) ضرورت انقلاب ایران است

به روش رفتار تبعیض آمیز و تفرقه افکنانه رئیس قسمت روستاها اعتراض داشته و در برابر آن سکوت را جایز ندانسته است.

✽✽✽

موارد بالا، که نمونه و آرزوی شکرند، نشان دهنده اینست که چگونه عوامل غیرمعمول و احتمالا توطئه گر دشمن انقلاب، کوشش دارند انقلاب عمیق خلقی مردم مستبدانه مهین مارا از پشتیبانی حامیان اصلی آن، یعنی توده های زحمتکش، محروم دارند. این موارد اخراج و بی کناری، که از اوایل سال جاری به شکل تکرار کننده ای شتاب یافته است، درموردی تشنج و درگیری را در سطح کارخانه ایجاد کرده و سپس آن را تا سطح شهردارمنزده است. در پی این اخراج های غیرمسئولانه و بدگمان کننده، گاه گروهاک های ضد انقلابی مائوئیستی در لباس «دب» به میدان خیزیده اند و پیام طبعه کارگر، اما پند طبقه کارگر، بر آتش من که، «آی بی بی» و سرخوردگی دمیده اند و گاه راست گرایان انحصارطلب افراطی، چماق درمیدان شده اند و هر صدای حقیقی را با خشم کور و بی منطقی خود پاشخ دادند. اما در هر حال، متأسفانه، انقلاب شکوهمند مردم ما و حامیان اصلی آن، کارگران و زحمتکشان، بازندگان این بازی تلخ بوده اند. اخراج ناپسند و بی رویه کارگران از کارخانه ها، ابتدا بین انقلاب مردم ما و حامیان اصلی، یعنی کارگران و زحمتکشان خاکستر دولتی و سوسیالیست، می باشد و سقوط بیکاران ناراضی را فرودستی و مترسک می سازد و سپس بارها کردن ناراضی این «راندندگان» در بیکاران بلا تکلیفی و بی اطمینانی و دلشورگی نسبت به «فردا» این «سوسه تفاهم» و «تیر» ناخواسترا موجه و منطقی، جلوه میدهد.

کارگران در راننده شده، گاه بی ادبانه سرنوشتی مشکوک و ناروشن، صفوف بلا تکلیفان جلو کارخانه ها، دادستانها، کمیته ها، وزارتخانه ها و ادارات کار را انبوه تر کرده اند و گاه با گردن گذاشتن بکارهای خرده فروش زندگی را به شکیبایی و بردباری تحمل کرده اند. کارگران از زحمتکشان، همواره در هر کجا، نفس زنده و پرتش انقلابی اجتماعی بوده اند و این ادب و گریه های زلزل خیز تاریخی، مهر و الفت عمیق داشته اند. منطبق انقلاب دوران ما نیز به همین روش و سبب تفاهم و کارگران نیست. به اخراج بی رویه کارگران و زحمتکشان از کارخانه ها و واحدهای صنعتی خاتمه دهیم و بازوان خلاق و پرتوان آنان را بسود انقلاب، در خدمت تولید بیشتر بکار گیریم.

در عین حال، تجربه های تلخی نظیر اخراج از کار و بی دفاع ماندن کارگران در برابر آن بار دیگر ضرورت میم مشکل شدن کارگران و زحمتکشان را در انجمن های صنفی و سندیکاهای موکد میسازد. بدون شک پناه یافتن کارگران و زحمتکشان در چنین سازمان های صنفی - که بدافع از حقوق مستقل طبقه کارگر اختصاص دارد عوامل غیرمعمول را از دست اندازی متفرعانه و بیوالتوانه به زندگی کارگران مانع خواهند شد.

خود از روستا به مهاجرت کرده و در شرکت صنایع نظامی شیراز با شغل رانندگی لیفت تراک استخدام شده است. در جریان انقلاب ایران و اعتراضات دامنه دار کارگری و مبارزات کارگران ایران، وی از شرکت مذکور تقاضای دوروز منخصی کرد، ولی بر اثر گرفتاری های موجود مجبور شد بایک روز تاخیر پس کار باز کرد. وی به همین جهت از سوی کارفرما بسبب یک روز غیبت، بدون درسیافت هیچگونه مزایایی، اخراج شد!

کارگر اخراج شده، که عبدالرضا زارع اناپکی نام دارد، برای گرفتن حقوق هفته خود به اداره کار شکایت کرد. اما با وجود مزاحمت و پیگیری های مکرر تاکنون نتوانسته است، نتیجه ای بگیرد. ناچار به ملت بیکاری، دوباره با خانواده خود، به روستا بازگشته و مدت سه ماه است که از وام بیکاری (سهای هزار تومان) استفاده می کند.



کارخانه «مالی بل» واقع در ۱۳ کیلومتری جاده مخصوص کرج نیز از دستبرد زیانبار «انفصال و اخراج» مصون نمانده است. در این کارخانه در حدود ۲۷۰ نفر کارگر کار می کنند. تولید این کارخانه ریخته گری قطعات چدن و فولادی و اتصالات لوله کشی است، و ۹۵ درصد مواد اولیه آن داخل تأمین می شود. شوروی این کارخانه اوایل سال ۵۸ با یک ترکیب ۹ نفری، که در آن اکثریت باس پرستان بود، تشکیل شد. کارگران در انتخاب اعضا این شوروی نقش نداشته، بلکه سرپرست لائوتی در تعیین اعضا نقش تعیین کننده داشت. این شوروی تحت نفوذ و معجزی سیاست کارفرما و مدیریت بود و به همین سبب در اواسط خردادماه امسال توسط کارگران منحل شد. در دوران این شوروی، عوامل کارفرما علیه کارگران دست به توطئه و تحریک زدند، تا جائیکه توانستند ۵ نفر از کارگران را از کار بکنار آورند. در این کارخانه، هر کارگری که از محیط کار انتقاد کند، یا خواهش های صنفی را بماند، تحت فشار قرار می گیرد و تهدید به اخراج می شود. با توجه به این مطلب که فرآیندهای تولیدی این کارخانه مورد نیاز از تجهیزات و مواد ساختمانی است، و همچنین در این شرایط حساس و خطرناک انقلاب، اخراج کارگران و ایجاد ناراضی و پراکنده شدن در بین کارگران بسود انقلاب نخواهد بود و وضع ناخوشایند زندگی این کارگران را نیز تیره تر و غم انگیز تر خواهد ساخت.

در کارخانه نساجی شماره ۲ قائم شهر نیز، کارگران اخیراً با اخراج تاسف آوری یکی از همکاران خود روبرو شده اند. روز سه شنبه ششم خرداد ماه، نگهبانان کارخانه از ورود یکی از کارگران به داخل کارخانه جلوگیری کردند. این کارگر، که محمد مولانی نام دارد، ظاهراً به اتهام واهی تحریک کارگران و خواباندن ماشین های تولید و دعوت کارگران به دست کشیدن از کار، اخراج می شود. اما در حقیقت وی با زمینه سازی و دخالت نظر مهندس سرپرست قسمت خود از کار بکنار می شود. کارگر بکنار شده نسبت

در گیر و دار وضع آشفته و خطرناکی که اقتصاد لرزان ایران با آن روبروست، انفصال و اخراج های مکرر که بطور دائم در کارخانه های تولیدی و واحدهای صنعتی در گوشه های مختلف کشور، انجام می گیرد، تاسف آمیز و نگران کننده است.

تاسف آمیز است بدلیل آن که مقامات مسئول دولتی، در ارتباط با کارکنان، بی سابقه و بیگاری قلم کشیده در اقدامات غیرمعمول، بجای آنکه با تداوم خرید و فروش و دولسوزانه با مسئله مواجه شوند و کمره دشواری ها را بسود توده های زحمتکش و از خود گذشته بکشایند، با این اخراج های بی پای و غیرمسئولانه، در حقیقت آنان را گامی بیشتر درمناک تیره بختی رها می سازند.

تکرار کننده است، زیرا این بی کناری ها، تقریباً در عین موردی، همراه با شیوه های اقلی و توتوسی می باشد، و در نتیجه به گونه ای تحریک آمیز راه را بر بهره برداری «صید» عناصر ضد انقلاب بساز گذاشته است. به همین سبب دستور بی کناری از کارکنان واحدهای مختلف تولیدی و صنعتی کشور، حتی در آن محدود مواردی که به درستی و به حق انجام شده، بخاطر عدم همراهی با شیوه های توتوسی و اقلی، اکثراً موجی از ناراضی و اعتراض و بدینال آن تشنج و درگیری را در پی داشته است.



در مجتمع فولاد اهواز، دستور رئیس این واحد صنعتی، تعداد یازده نفر از کارکنان شرکت پیمانکاری ماشین سازی پارس، از روز چهارشنبه چهارم خردادماه از کار بکنار شد. حکم بی کناری این کارکنان بدون هیچگونه توضیحی از طرف رئیس مجتمع به مهندس ناظر این شرکت پیمانکار ابلاغ شد. کارکنان شرکت ماشین سازی پارس، که از چنین شیوه ای بحق بدگمان شده بودند، در روز شنبه هفتم خردادماه اعتراض شدید خود را به این شیوه خودکامه نشان دادند. پس از گذشت چند روز اعلامیه ای بسه اعضای گروهاک های ضد انقلابی مائوئیستی از طرف «گروهی از کارگران مبارز صنایع فولاد اهواز»، با شادمانی بسیار برای این اعتراض هورا کشید و کلیه کارکنان مجتمع را دعوت به اعتصاب و حمایت از کارکنان اخراجی و بازگشت کلیه اخراج شدگان مجتمع فولاد کرد.

خوشبختانه هیئتی انقلابی کارکنان ماشین سازی پارس، بر انتصاب پرتیوتاب ضد انقلاب آبرسدیاشید. آنان چون دیدند که ضد انقلاب از اعتراضات شادمانی می کند و در پی این از ناراضی آنان قصد «میوه چینی» دارد، پس کار خود بسازگشته و نمایندگان آنان برای روشن شدن وضع یازده نفر اخراجی با مقامات مسئول در سطح مجتمع و شهر وارد مذاکره شدند.



در شرکت صنایع نظامی شیراز، کارفرما کارگری را به ملت یک روز غیبت اخراج کرد. کارگر اخراج شده چهار سال قبل با خانواده

مسائل کارگری

به اخراج بی رویه کارگران از کارخانه ها خاتمه دهید

یکی از میراث های شوم باقی مانده از رژیم منفرودگشته، مسئله مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به تهران و شهرستان های بزرگ است. مهاجرت جهت پیدا کردن کار، مهاجرت بدلیل پول. مسئله ای که بشکل دردناکی مبتلا به انقلاب ایران است. در این رابطه به مهاجرتی که در جنوب تهران، به چاروسازی دستی اشتغال دارند، نظری می اندازیم.

کمبود و گرانی جارو:

کارگاه های جاروبافی از خیابان سیروس (رسیده به چهارراه سیروس) تک و توتک شروع و هرچه پائین تر میرویم، بر تعداد آنها افزوده میشود، بطوریکه بعد از گذشتن از چهارراه مولوی، ورود به خیابانهای آمین السلطان و صاحب جمع، این افزایش بیشتر بشمار میخورد، تا جائیکه شاید بتوان دو خیابان آخر را راسته جاروبافی نامید.

اکثر جاروبافان این ناحیه روستائیان مهاجر اصفهانی هستند، که به ملت کمبود آب، نداشتن زمین و عدم دسترسی به دیگر امکانات کشاورزی، به شهرها مهاجرت کرده اند. آنها که سن نژاد، ۲۰ تا ۳۰ سال، و آنها که جوانترند، ۴ تا ۵ سال است که بشهر آمده اند و به جاروبافی مشغولند. درآمد روزانه اکثر صاحبان کارگاهها بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ تومان است. کارگران جاروبافی نیز بطور متوسط از ۶۰ تا ۱۰۰ تومان مزد میگیرند، جاروهای پخته نشده از خراسان و مازندران و آذربایجان و سایر نقاط می آیند، قیمتشان فرق میکند، ولی بطور کلی از ۱۲ تا ۲۵ تومان خرید و فروش میشوند. قیمت جارو در سال گذشته ۶ تومان بوده است.

علت گرانی جاروی اهواز کمبود آب است. کشاورزی که کارشان کاشتن تخم و برداشت جارو بوده است، به دلیل ضررهای ناشی از این کار، که سال پیش متحمل شده اند، امسال از کاشتن مجدد جارو خودداری کرده اند. یکی دیگر از وسایلی ضروری برای بافتن جاروسیمهای نایلونی است، که دسته جارو را با آن میبافند. این سیما سال قبل ۸ کیلوگرم ۲۲ تومان بود، ولی امسال ۲۲ کیلوگرم ۲۲ تومان بفروش میرسد. دلیل گرانی شدن این سیما قطع ورود مواد اولیه آنها از آمریکا است.

ابتلای زودرسی به واریس:

یکی از ضایعات جسمانی این کار، واریس دردناک و کشنده است. یک نفر میگوید که ساعتها سرپا ایستد و جاروهارا به وسیله دستگای که مثل برس دسته جاروهارا رامی فشارد، برای بافتن آماده کند. شخصی که این کار را انجام میدهد، بعد از ۵ تا ۱۰ سال به واریس مبتلا میشود.

اتحادیه و سندیکا ندارند:

صنف جاروبافان اتحادیه، سندیکا و یا هیچ نوع سازمان صنفی دیگری ندارند. اتحادیه و سندیکا می تواند از مشکلات صنفی این صنف بکاهد. بعنوان مثال شاید جاروبافان بتوانند، از طریق سندیکا، از دلالت بازی، احتکار و یگرانی های بی مورد جارو جلوگیری کنند. علاوه بر آن از طریق

کارگران جاروساز دستی:

- از دولت انقلاب انتظار داریم که با انجام اصلاحات ارضی بنیادی، در جهت بهبود وضع کشاورزی و سروسامان دادن به روستاها اقدام کند
- اگر ما در شهرستانهای خود کار مناسبی داشتیم، مهاجرت نمی کردیم
- در تهران از کمبود و گرانی سرسام آور ارزاق عمومی رنج میبریم
- وقتی به ادارات دولتی مراجعه میکنیم، معلوم میشود که هنوز افراد طاغوتی تصفیه نشده اند!

سازمانهای صنفی خود، احتمالاً خواهند توانست تحت پوششهای درمانی رایگان و یاتیمه بها قرار گیرند و فرضا از اینکه بیماری پادرد، زندگی شان را به افلاس اقتصادی بکشاند مانع شوند. با چندتن از جاروبافان این ناحیه صحبت کرده ایم که چکیده ای از آن در اینجا، به نظرشان خواهد رسید: پسرک لاغر اندام و ضعیف الجثه ای که ۱۳ سال از سنش میگذرد، مقابل درد کان، بر روی چهارپایه ای نشسته است. نور آفتاب از دروازه به سورتش می تابد. پادستان کوچک و استخوانی خود، سوزن زخم جاروبافی را با سرعت از اینسوی جلو رد میکند و از آنسوی بیرون میکشد. باوتزدیک میشود و سلام میکند، پانگه گردن کانه و معصوم خود به می کند. در چهره اش نشان فقر و محرومیت را به وضوح می توان دید.

- چنسال است کار میکنی؟
- سه سال
- چقدر مزد میگیری؟
- نمیدانم، مزد را به خود نمیدهند.
- مزدت را چه کسی میگیرد؟
- پاپام.
- به چه دلیل؟
- نمیدانم.
- باسختی کارگاه چه نسبتی داری؟
- دانی من است.
- چند کلاس درس خوانده ای؟
- اول ابتدایی، کلاس دوم را هم تا هفته هایش خوانده ام.
- چرا دروسات را ادامه نداری؟
- به خاطر وضع بد مالی میخوردم که ترک تحصیل بکنم، اما هرطور شده باید درسم را ادامه بدهم. این کار آخر وعاقبت خوشی ندارد.
- چند مزد میگیری؟
- روزی ۶۰ تومان. هفته ای صد تومان از مزدم را به خانه میدهم.
- از انقلاب چه انتظاری داری؟
- از انقلاب میخواهم که اجناس مورد نیاز مردم را

ارزان کند. تحمل گرانی برای ما که درآمد لاجیزی داریم، بسیار مشکل است. دولت باید هر چه زودتر در اینباره چاره جویی کند.

جوانی است با ۱۹ سال سن. وی نیز مانند اغلب همکاران خود به امید کار و زندگی بهتر از روستا به شهر آمده و جذب این کار شده است. با چهره ای خندان و صمیمی از ما استقبال میکند و میگوید:

اهل یکی از روستاهای اصفهان هستم. تا کلاس ۶ دبستان درس خواندم، ولی به علت نداشتن امکانات مالی از ادامه تحصیل صرف نظر کردم و به کار روی آوردم. مدتی در اصفهان کار میکردم. حدود یکسال است که به تهران آمده ام و در اینجا کار میکنم. روزی صد تومان مزد میگیرم که تنها کفاف خرج زندگی را میدهد.

در این باره عرض خود را در یکساعت در روستا میگوید: «در اینجا قطعه زمینی داشتیم، ولی چه فایده که کمبود آب و هزاران مشکل دیگر اجازه کشاورزی بهمانند و به همین دلیل ما ملتن در اینجا فایده نداشتن و باید به شهر می آمدم و کاری پیدا میکردیم.»

وی ادامه میدهد: «حالا اگر دولت انقلاب، آب لازم برای کشاورزی را به روستاها برساند و امکانات کار کشاورزی را فراهم بکند، ما هم به ده خودمان برمیگردیم و کشاورزی میکنیم.» پسرک کارگر دیگری میگوید که در ده و حرفهای مشابه دارد. میگوید لاغر و ضعیف و بی روحی بی آرایش و ساده دارد. میگوید:

«من هم ۱۹ سال دارم و یکسال است که در اینجا کار میکنم. پدر و مادرم در اصفهان هستند. ۶ کلاس درس خواندم، ولی دوست دارم که ادامه تحصیل بدهم. من نیز از انقلاب انتظار دارم که به وضع روستاها رسیدگی کنند. زیرا من هم به خاطر نداشتن آب و زمین ناچار از ترک روستا شدم.»

از این جاروبافی خارج میشود و پسرک جاروبافی دیگری میگوید که در دفتر در آن مشغول کارند. یکی از آنها پیرمردی است حدود ۵۰ الی ۵۵ سال سن. بسیار لاغر و نحیف نظر میرسد. بر روی یک صندلی نشسته و مشغول بافتن جاروست. دیگری پسرک جوانی است با ۱۸ سال سن و قد متوسط، که سرپا ایستاده و کار میکند. هر چند گاه یکبار خم میشود، مقداری از جاروهای باز و پراکنده را از روی زمین بر میدارد. آنها را دسته میکند و بوسیله دستگای برای هم میفشارد. سیم فلزی نازکی دوران میچند و آنها را برای مرحله بندی که توسط پیرمرد انجام میگیرد، آماده میکند.

از پیرمرد می پرسیم:

- چنسال است که به این کار مشغولی؟

- ۲۵ الی ۳۰ سال است که کارمان اینست. قبلا در اصفهان کار میکردیم. حدود ۸۷۷ سال است که به تهران آمده ایم.

قبل از اینکه جاروبافی را پیشه کنید، چکار میکردید؟

- کشاورزی بودیم، ولی به علت نداشتن امکانات کشاورزی

بقیه در صفحه ۶

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

شورای ده را تشکیل دهیم

دهقانان بحق شوراهای ده را، که در آن نمایندگان واقعی شان انتخاب شده باشند، گره گشای مشکلات خود میدانند. شورای ده یک نهاد حکومتی و کوچکترین حلقه نظام شورائی کشور ماست، که در عین حال یک ستاد خلقی است و انضای آن توسط اهالی خود روستا انتخاب میشوند. شورای ده دارای اختیارات و امکانات فراوان است و میتواند تصمیم بگیرد و اجرا کند.

بنابراین تشکیل شورای ده کار بسیار مهمی است برای حل مسائل و مشکلات روستا و روستائیان. ما مرتباً اخبار و گزارشهای مربوط به شورای ده را چاپ می‌کنیم و تجربیات دهقانان را در اختیار سایر برداران و خواهران آنها قرار می‌دهیم. در شماره امروزه خبر در این زمینه می‌خوانید.

دهقانان کلبه شورای تشکیل می‌دهند

روز جمعه ۵۹۳۹، بیش از ۴۰۰ نفر از اهالی روستای کلبه، با حضور نمایندگان بخشدار اسکو و سپاه پاسداران آن، ازین خود نفع نماینده بهسوی شورای خود انتخاب کردند. اعضا این شورا عبارتند از آقایان: ۱- میرمهدی سجادی ۱۵۶۱ رای، ۲- جعفر خرازی با ۱۷۴ رای، ۳- احمد (۰۰) با ۹۹ رای، ۴- داود اکبری با ۹۲ رای، ۵- اکبر کاظمی ۷۵ رای و نیز دوفت بهسوی علی‌البدل تعیین شده‌اند.

در ضمن آقایان اکبر کاظمی و میرمهدی سجادی بمنوان کمیته واگذاری زمین تعیین گردیده‌اند. اولین کاری که شورا انجام داده است، اقدام برای لوله‌کشی کردن آب آشامیدنی ده است.

در این بین کسانی که تمایل به تشکیل شورا به این ترتیب کنونی باشد، هم در امر انتخابات و هم بعد از آن در کار اخلاص می‌کنند. دهقانان با همتیاری و اتحاد خود بر این مشکل نیز پیروز خواهند شد.

اتحاد ضامن پیروزی

بدنیال اتحاد و یکپارچگی دهقانان سورچه پائین، از توابع مبارکه لنجان اصفهان، در برابر فئودال ده، که منتصب به گرفتن زمینها توسط دهقانان و سپس تقسیم‌اراضی بین آنها گردیده، شورای غیر واقعی قبلی ده منحل و در تاریخ ۳۰ شهریور ۱۳۵۹ دهقانان اهالی شورای واقعی ده را، که مرکب ازین عضو است، انتخاب کردند.

در پی تشکیل این شورا، اعلام شد که هیچکس جز دهقانان زحمتکش حق مداخله در زمین را ندارد. پس از حل مسئله زمین، با فعالیت شورا و همکاری جهاد سازندگی، ساختمان دو کلاس ابتدائی در مدرسه ابتدائی ده و ساختن یک پل روی جوی آب به انجام رسید. کلاسها اکنون در حال تعمیرند و هم‌اکنون شورا در صدد است که با کمک جهاد سازندگی و با همتیاری اهالی ده، طبق نظر کارشناس جهاد سازندگی، حمام ده را تعمیر کند و یاحمام دیگری در ده احداث نماید.

مشکلات روستائیان شیخ عظیم‌لو

روستای شیخ عظیم‌لو، از توابع بخش «ارشق»، با ۱۵۰ خانوار و جمعیتی نزدیک به هشتصد نفر در ۹۰ کیلومتری مشهدین شهر قرار دارد. محصولات عمده این روستا، گندم، جو و عس است. زمینهای این روستا برای کشاورزی بسیار مساعد است، ولی کمبود آب مشکل مهمی است که روستائیان با آن روبرو هستند. اکثر زمینهای این روستا بهسورت دیم کاشته میشود. مقدار محصول برداشتی دهقانان بستگی به مقدار بارندگی هر سال دارد.

روستائیان علاوه بر کشاورزی به پرورش دام نیز می‌پردازند، ولی به علت عدم وجود وسائل دامی و دامپزشک، دامها بیشتر در معرض خطر اند.

اهالی به جابجیمانی و قالی‌بافی نیز می‌پردازند. تنها یک چشمه کوچک، که کنجایش زیادی هم ندارد، منبع آب آشامیدنی است. آب لوله‌کشی، حمام، مدرسه و درمانگاه از خواستهای اساسی روستائیان است.

شرکت تعاونی و مرکز فروش نفت و نظایر آنها در این روستا وجود ندارد.

روستائیان به علت نداشتن وسائل نقلیه، توسط دلالها نیز غارت میشوند. اکثر اهالی روستا بیسوادند و تنها عده‌ای از پسران روستا جهت تحصیل به مدرسه می‌روند. دختران کوچک در کارگاههای قالی‌بافی مشغول کار هستند.

اخیراً شورای ده تشکیل گردیده است و دهقانان امیدوارند دولت توجه لازم را معطوف دارد، تا شورا بتواند وظایف خود را در جهت رفع مشکلات روستای شیخ عظیم‌لو انجام دهد.

کمک کنید تا دهقانان از اعتیاد رهائی یابند

در بخش دورافتاده مراوه‌تپه - از توابع گنبد، عده زیادی از روستائیان، حدود هفتاد تا هشتاد درصد، معتاد هستند. منتصب آنها میدانند که این بلیه از آثار شوم رژیم‌های استبدادی و بهره‌کشی است و غارتگران آنها را تماماً باین روزنامه نشانده‌اند. اینست که قلممانه از اقدامات آیت‌الله خلیفائی پشتیبانی و از روش مقامات مسئول در زمینه ترک اعتیاد حمایت میکنند. آنها می‌گویند: «ما معتادیم، ولی از ته قلب خواستار مبارزه با اعتیاد و نجات خودمان و فرزندانمان هستیم.»

آنها می‌گویند: «یکمک پزشکی و راهنمایی لازم احتیاج مبرم داریم. بلافاصله برسد. ما میخواهیم از این چاه خارج شویم. کمک کنید تا از اعتیاد رهائی یابیم.»

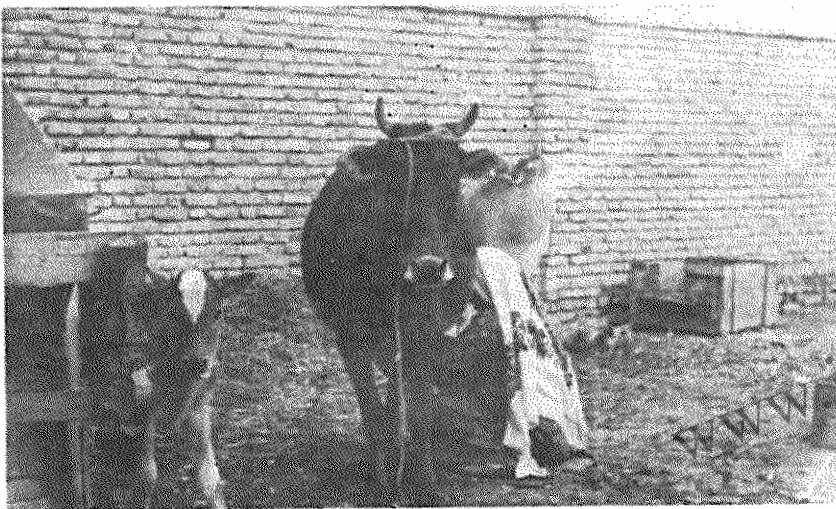
* امکان تشنج آفرینی را از زمینداران بزرگ بگیرید.

* زمین را به دهقانان و تولید فراوان را به کشور بدهید.

ترکمن صحرا در گرما گرم کار و برداشت محصول



ترکمن صحرا غرق در تاب کار و برداشت محصول است



تقریباً خانواده ترکمنی نیست که حتی در شهر چند گاو نگهداری نکند

آمریکا، که سالها به کمک‌شاه خانی کشاورزی ما را نابود کرد و با انجام اصلاحات ارضی کذاهی خود دهقانان زحمتکش ما را نابود ساخت و ما را محتاج محصولات خودش کرده بود، امیدوار است که با تحریم فروش مواد غذایی، به خیال خودش از گرسنگی ما را مجبور به تسلیم کند.

موقع برداشت محصول کشاورزی در منطقه ترکمن صحرا فرارسیده، روزهایی برای فعالیت و کار برای دهقانان، که حتی وقت سرخاراندن نیز ندارند.

با چندتن از دهقانان در حین برداشت محصول گفتگو کردیم و از مشکلات آنها جويا شدیم. بار دیگر مطمئن شدیم که آگاهی از مسائل آنها و شناخت دقیق مسائل و مشکلات، گامی در جهت بهبود زندگی آنها خواهد بود و ضرورت اجرای فوری اصلاحات ارضی واقعی را ثابت خواهد کرد.

در این روزها در صحرا دهقانان دائماً در حال کار و کوشش هستند. عده‌ای با کمباین درو می‌کنند، عده‌ای محصولات را توسط تراکتور به انبار منتقل می‌کنند، عده‌ای گاو جمع می‌کنند، عده‌ای گاو را بار مسافرتی‌های وانت یا تراکتور یا ارابه می‌کشند و عده‌ای پنبه و جین (کندن علف هرز) می‌کنند، علاوه صحرا پر از دهقانان و کزگران است. به علاوه جوانان دانش آموز یا دانشجوی و یا معلمین نیز به خانواده‌هایشان کمک می‌کنند و با گاو چیت یکی یا دو تا گاو خانگی خودشان جمع می‌کنند (اصولاً در ترکمن صحرا ترکمنها، حتی در شهرها نیز اغلب گاو خانگی دارند).

دهقانی که حدوداً ۳۰ هکتار زمین و کمباین و تراکتور نیز دارد، می‌گفت:

«من ۴۰ هکتار زمین دارم که در این زمین اغلب جو و گندم می‌کارم و همیشه دیمی می‌کارم چون در اینجا آب نیست.

در مورد وضع محصول امسال می‌گفت:

«محصول بطور کلی امسال بد نبوده و لسی یکسماه پیش (دقیقاً ۲۷-۲۶ اردیبهشت) یعنی هنوز چند روزی (۴ تا ۵ روز) به درو نمانده بود، که یک شدیدی در این منطقه وزید و خوشه‌های رسیده از دست رفت. من فکر می‌کنم حداقل ۱۰٪ از محصول زمین من در این باد

اگر رژیم قبلی می‌ماند، حتما این زمین‌ها را نیز از ما می‌گرفت.»

بطور کلی همه دهقانان می‌خواستند که دولت هر چه زودتر مسئله زمین را در منطقه کندیو آق‌قلا حل کند تا جلوی هر گونه حادثه‌ای گرفته شود و حق نیز به حد دار برسد.

دهقانی در مورد رضا اصفهانی می‌گفت:

«ما را ما در تلویزیون دیدیم و یکبار نیز پدرم از او تشریف می‌گردد. او خیلی از کشاورزان و دهقانان می‌شناسد. اینها می‌گفتند زمینهای اینجا چون زیاد خوب نیست، بیشتر در دست خودمان باقی مانده است.

در واقع هم آنها را باید به زمین‌ها بدهیم.

سورت‌کلا به روستاهای آن منطقه، مخصوصاً به شوراها و دهقانی آن منطقه داد و خود دولت نیز باید به شوراها کمک فنی و مالی و اداری بکند، تا محصول آن حیث و میل نشود.

عده‌ای از دهقانان ابراز تأسف می‌کردند که هنوز در زمین‌ها مقامات مسئول خیلی‌ها هستند که نمی‌خواهند کارها درست شود و نمی‌خواهند همانطور که هست بماند. آنها می‌گفتند زمینهای اینجا چون زیاد خوب نیست، بیشتر در دست خودمان باقی مانده است.

دهقانان بدهد. چنانکه می‌گفتند چند روز پیش نمایندگان شوراها با او صحبت کردند و او در اینجا نیز از دهقانان و کشاورزان حمایت کرده است.»

پایک‌تن از صاحبین کمباین نیز صحبت کردیم. او می‌گفت:

«در آملما خوب است، اگر کمباین خوب کار کند، اما اگر خراب شود، یک چیز کوچکی بشود، کمباین می‌خواهد. چون باید به شهر برویم و آن وسائل را پیدا کنیم، تازه در صورتی که پیدا شود، اصولاً اگر محصول خوب باشد، ما از ۱۰ کینه گندم یا جو یک کینه می‌گیریم. اگر زیاد

خوب نباشد، از ۸-۷ کینه یک کینه و گاهی نیز امکان دارد ما نصف محصول را بگیریم»

ترکمن صحرا گرم برداشت محصول است و بصیرانه در انتظار حل قطعی مسئله زمین، که اینجمله قول آن داده شده و حتی قانونی با این نامه اجرائی حاضر و آماده است و باید فوراً عملی گردد.

سرزمین بربرکت، با کار آزاد دهقانان پروری زمینهای خودشان، هم برای کشور محصول کافی تولید خواهد کرد و هم یک کانون آسود و تشنج را، که زمینداران بزرگ ایجاد می‌کنند، از بین خواهد برد.

اخبار دهقانی

زمین را به دهقانان زحمتکش بدهید

گیلانده روستائی است از بخش چمستان نور. این روستا دارای ۵۰ خانوار (حدود ۵۰۰ نفر) جمعیت است. زحمتکشان این روستا (قشر دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین) از آغاز سال دست بمبارزات حق طلبانه علیه مالک روستا زدند. جهت اصلی مبارزات این دهقانان برای حل مسئله زمین آب و آبیاری و وسائل تولید است. خواست اصلی دهقانان این روستا واگذاری زمین‌های مالک بصحابان واقعی آن، یعنی دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین است.

دهقانان زحمتکش این روستا هم چنین نیاز به سفر یکسلفه چاه آب دارند. به علاوه کمبود بذر و کود مانع تولید آنهاست. مالک چون ملازم‌دار این روستا نیز

روستای کفترک در دامغان شهرستان خراسان واقع است. مالک زمینهای این روستا شخصی است که در حدود ۴۰۰ هکتار زمین را تصاحب کرده است. وی در همین روستا مالک یک دامداری است، که عده‌ای از روستائیان خوش‌نشین در آن مشغول بکار هستند.

مالک با در اختیار داشتن تراکتور و کمباین، سالانه حدود ۱۰۰ هکتار از زمینهای مذکور را می‌کارد، و بقیه زمینها را بدون استفاده باقی می‌گذارد. ضمناً دو تن از خردمالکان این روستا ۸۰ هکتار زمین موات را آباد کرده‌اند، که بواسطه هم‌زیبودن با زمینهای مالک فوق بوسیله وی تصرف شده است. این دو تن مدت سه ماه است که به مقامات مسئول

دهقانان مازندران دیگر تحمل وضع گذشته را ندارند

بود، برای وابسته کردن دهقانان، بطریق مختلف از جمله رباخواری عمل میکرد. بدین طریق و بهرورد زمان، دهقانان کم‌زمین ناکزیر داروندار خود را به شخص مزبور منتقل می‌کردند.

چندی قبل دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین این روستا، که میدیدند بساط گذشتہ را باید بپردازند ازین برداشت، در یک نشست، بعد از شورش و شورت، تصمیم به بازپس گرفتن زمینهای خود کردند و مقداری از زمینهای قابل کشت مالک رباخوار را به زیر کشت بردند.

ولی مسئله زمین هنوز حل نشده و درگیروار تشنجات مالک است. در حالیکه قانون اصلاحات ارضی و این نامه اجرائی آن به

سراحت تکلیف اینگونه زمین‌ها را، که تصرف نامشروع است، مین کرده است.

وضع نامساوان اقتصادی این روستا را با تولید تعاونی بی‌زمین‌های این روستا و نیز ایجاد صنایع چینی روستائی باید بهبود بخشید. رباخواران با بی‌فایانگی انگلی خود سمدسات فراوانی به وضع اقتصادی زحمتکشان وارد می‌آوردند و بخشی از تولید زحمتکشان توسط رباخوار مصرف میشود و بدین طریق به فقر دهقانان تهنیت میدهند. دهقانان انتظار دارند که نهادها و انقلابی‌چاپ آنها را بگیرند و مسئولان امور بخشدار و سایر ادارات انقلابی عمل کنند و زمین‌ها را به کسی بدهند که روی آن کار میکند.

دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین! باشکلی کمیته‌های خود و با تکیه به پاسداران متعهد و افراد سوسوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سریعاً و بسود شما اجرا شود

گرانی روز افزون هزینه زندگی بردوش کارگران سنگینی میکند. شورای انقلاب و ریاست جمهوری با تصمیمات فوری و قاطع باید زحمتکشان را از زیر این بار سنگین نجات دهند

اطلاعیه حزب توده ایران - سازمان بندرانزلی: درگیری و تشنج بسود ضد انقلاب است با حفظ خون سردی مانع آن شوید

متهربان عزیزان همانطور که می دانید، در نماز جمعه ۵۹/۳/۳۰ آمریکا و عمال آست و تیر به بارها دعوت شد تا نماز جمعه ۵۹/۳/۳۰ را در کنار دریای بندر انزلی برپا دارند. طبق اخبار و شواهد موجود، ضدانقلاب که خود را در دین گروه های راست گرا و چپ نما پنهان کرده است در صدد است که با تحریک پلاژداران و نمازگزاران، آنها را به درگیری و تشنج بکشانند و بدین وسیله مانع صفوف خلق شگاف ایجاد کنند. حزب توده ایران - سازمان بندر انزلی ۱۳۵۹/۳/۳

درجهان سوسیالیسم

افزایش روز افزون کارشناسان در اتحاد شوروی

شماره کارشناسان اتحاد شوروی در سالهای ۱۳۰۷-۵۷ بیش از ۵۰ برابر شد. جدول زیر اطلاعات بیشتری در این باره بدست میدهد.

شماره کارشناسان دارای گواهینامه دانشگاهی و مدارس تخصصی متوسطه (به هزار)

Table with 4 columns: Year, Number of university graduates, Number of secondary school graduates, Total number of graduates.

درجهان سرمایه داری

سرخ پوستان آمریکا در محرومیت کامل بسر میبرند

بموجب آمارهای رسمی، ۸۵۰ هزار تا ۹۰۰ هزار شهروند ایالات متحده آمریکا، سرخ پوستان هستند. (تا بهمت ایالات متحده آمریکا، تنها از سال ۱۳۰۳ به بومی های آمریکا اعطا شده است). بگفته جنبش هند، بومی های سرخ پوستان آمریکا، سیاست تعدید جمعیت سرخ پوستان دولت آن کشور بویژه از طریق بستن کردن آنها، به کاهش شماره هندی های سرخ پوستان انجامیده است.

در میان سکن سرخ پوست آمریکا، فقر، بیکاری و بیماری در سطحی همراه با بالاتر از میانگین کشور رواج دارد. سن متوسط بومی های آمریکا فقط ۲۳ سال است. با آمار و محاسبات که بخش بزرگی از میلمونها سکنه اسپانیایی زبان چیکانو نیز از نژاد سرخ پوست است.

تشکیل حزب کمونیست ایران یک رویداد تاریخی

اوائل سال ۱۹۲۲ برابر با دیماه ۱۳۰۱ منحل گردید. تغییر کمیته مرکزی حزب با تأیید «کنگره خلقهای خاور» نیز روبرو شد. به حیدرخان ماهوریت تدوین برنامه عمل حزب داده شد. این برنامه بنام «ترهائی پیراهون وضعیت اجتماعی - اقتصادی ایران و تاکتیک حزب کمونیست ایران» تنظیم شد و در دیماه ۱۳۰۰ به تصویب کمیته مرکزی حزب رسید. باید متذکر شویم که در این ترها، که بیاری همکاران حیدرخان تهیه شده، خطوط اساسی مقاله او تحت عنوان «بنیاد اجتماعی انقلاب ایران» منعکس شده است. (چنانکه دیدیم مقاله اوایل سال ۱۲۹۹ نوشته شده و قبل از نخستین کنگره حزب از چاپ خارج شده بود) خلاصه ترها شرح زیر است: ۱- جامعه ایران در حال گذار از نظامهای قبل از سرمایه داری به نظام سرمایه داری است. ۲- وضع زندگی ایالات بسیار عقب مانده و وابستگی

۳- صنایع بزرگ در ایران رشد نکرده و صنایع معدنی بوجود نیامده است. در نتیجه طبقه کارگر ایران نیز رشد نکرده و پراکنده است. ۴- سرمایه تجاری هم وضع بسیار بدی دارد و در سرحد ورشکستگی کامل است. ۵- روحانیون، که قشر وسیعی را تشکیل میدهند، خود به دو بخش تقسیم شده اند: بخش کم عمده و بالائی آن که خود فروتمندند، طرفدار حکومت شاهند. بخش پر عمده و پائینی آن نزدیک به مردم و طرفدار اصلاحات دمکراتیک هستند و در انقلاب مشروطیت هم شرکت کردند. ۶- قوتو دلاها و صاحبان املاک بزرگ، که در حدود ۳ هزار نفرند، طبقه حاکمه ارتجاعی را تشکیل میدهند. ۷- در مقابل این «یکانه طبقه ضد انقلابی» گروهها و اقشار اجتماعی زیر قرار دارند: ۱- کارگران کارخانهها، صنعتگران و پیشه وران ورشکسته. ۲- روستائیان، که بی رحمانه از طرف مالکین بزرگ و خانها استثمار میشوند. ۳- کسبه کوچک و متوسط، که در سرحد فقر و فاقه بسر میبرند. ۴- تمام اقشار و طبقات نامبرده «اینک پانزده سال است در حال هیجان انقلابی اند. در چنین شرایطی که در ایران یرولتاریای صنعتی کاملاً غیر متشکل است و دهقانان در تاریکی جهل و خرافات قرار دارند... و مادام که نفرت نسبت به بیگانگان در نظر خلق ایران منشاء همه بدبختیها و بلاهات ... تصور اینک انقلاب در ایران نمیتواند از همان آغاز زیر پرچم کمونیستی برود، قطعاً نادرست است. انقلاب ایران فقط در شکل نهضت رهائی بخش ملی، که هدفش رهاوندن خلق از اسارت خارجی و تثبیت استقلال کامل سیاسی و اقتصادی ایران باشد، میتواند بوجود آید

از آن جهت که انقلاب اجتماعی و سیاسی سرمایه داری تنها در سطح جهانی تصور است. (جلد ۶، صفحه ۱۵۹). این نظر را با آموزش لندن درباره پیروزی انقلاب سوسیالیستی در یک کشور مقایسه کنید! سلطانزاده در پی گفتار در کنگره دوم کمیترون می افزاید: «بظن من آن نکته از اصول اساسی که باید خط راهنمای ما باشد، این است که حمایت از جنبش بورژوا - دمکراتیک در کشورهای پسمانده باید تنها در آن کشورهایی لازم شده شود که جنبششان مراحل مقدماتی را می بیند. اگر بخواهیم در کشورهایی که ده سال یا بیشتر تجربه پشت سر گذاشته اند، یا کشورهایی که هم اکنون مانند ایران (جمهوری گیلان - مترجم) قدرت را در دست گرفته اند، همان اصل را بکار بندیم، نتیجه اش جز این نخواهد بود که توده ها را به دام ضد انقلاب برانیم. در مقام مقایسه با جنبش های بورژوا - دمکراتیک مسئله عبارتست از انجام و حفاظت از انقلاب دقیقاً کمونیستی. هر از رایسی دیگری از این واقعیت میتوان نتیجه تاسف انگیزی بیار آورد.» (جلد ۴، صفحات ۵۲ - ۵۳).

در «ترهای رفیق سلطانزاده» این مطلب باز هم توضیح داده میشود: «در هر حال، تصور باطل اینکه توانائیهای بورژوازی در سمت انقلاب ملی - دمکراتیک ظاهر شوند، می باید یک بار برای همیشه ترک شوند.» (جلد ۶، صفحه ۱۱۵) خلاصه آنکه: اگر بعضی گروههای «چپ»، از آراهنه سوسیال دمکرات تبریز، در دوران انقلاب مشروطیت، مخالف با شرکت در صفوف دمکراسی و طرفدار فعالیت «سوسیالیستی خالص» بودند، در دوران جنبشهای رهائی بخش ملی و ضد امپریالیستی بعدی، «چپهای» حزب کمونیست ایران شرکت در انقلاب بورژوا - دمکراتیک را سببی شده حساب می کردند و وظیفه روز را انجام «انقلاب کمونیستی خالص» میدانستند.

حزب کمونیست ایران توانست با تغییراتی که در ترکیب کمیته مرکزی داد و با برگزیدن حیدرخان به سمت صدر کمیته مرکزی، تا اندازه ای از این انحراف «چپ» جلوگیری کند. حزب در نخستین «کنگره خلقهای خاور»، که به ابتکار کمیته اجرائیه کمیترون از یکم تا هفتم سپتامبر ۱۹۲۰ (۱۰ - ۱۵ شهریور ۱۲۹۹) در باکو برگزار گردید، فمالاته شرکت جست. در این کنگره متجاوز از ۲۰۵۰ نماینده شرکت داشتند، که ۴۰ نفر آنها ایرانی و ۲۰۲ نفر آنها از ایران آمده بودند. حیدرخان، که یکی از سخنرانان کنگره بود، به عضویت «شورای تبلیغات و عمل خلقهای خاور»، که در واقع ارگان دائمی کنگره و دارای ۴۸ نفر عضو بود، برگزیده شد (این شورا

و پیروز زندانه گسترش یابد... و پس از ذکر وظایف به تفصیل، چنین می آید: «برای حل وظایف ذکر شده در بالا، حزب کمونیست ایران (عدالت) از اقدامات فوری در باره اجرای تدابیر خالص کمونیستی در ایران امتناع میورزد و تاکتیک کوتاه مدت خود را، تا سرنگونی حکومت شاه و طرد امپریالیسم انگلیس، بر پایه اتحاد طبقات، از پرتاریا گرفته تا بورژوازی متوسط، برای مبارزه علیه قاجار و امپریالیستهای بیگانه، همچنین بر پایه تناسب نزدیک با حزب دمکراتهای چپ (گروه شیخ محمد خیابانی) که بیانگر منافع خرده بورژوازی و روشنفکرانست، مبتنی میسازد... همچنین حزب کمونیست ایران (عدالت) خواهان همکاری با رهبران سرشناس آزادی بخش ملی، مانند میرزا کوچک خان و امثال او است.» در عین حال باید متذکر شد که «ترها» در مبارزه علیه «چپ گریبان» به بعضی لغزشهایی بر است نیز دچار شده است، از قبیل پذیرش رهبری خرده - بورژوازی تجاری و غیره (و چنین انقلابی بوسیله خرده بورژوازی تجاری، که یگانه طبقه قادر بر رهبری سیاسی در ایرانت است، رهبری خواهد شد.)

در این دوره روزنامه «عدالت»، ارگان و کمیته ایالتی گیلان فرقه اشتراکیون ایران (عدالت) به مدیریت حسن ضیاء، روزنامه «ایران سرخ» ارگان «شورای تبلیغات»، به مدیریت لادین در رشت چاپ و منتشر میشوند. در صفحات این روزنامه ها وضع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور و همچنین وضع سازمانی حزب و مبارزات درونی آن منعکس شده است. مثلاً همین روزنامه «ایران سرخ» (یکشنبه ۲۶ ثور اردیبهشت ۱۳۰۰) اطلاع میدهد که:

«با رفقایی عزیز قدیم خودمان رفیق میرزا کوچک و سایرین اصلاح کردیم. دشمن آنش پرست با دبیرها را بگوی خاک بر سر کن که آبرفته باز آمد بجوی... خاطر عموم را متحضر میدارد نتیجه اصلاح چنین شد. اعضای کمیته انقلاب مرکزی آزاد کنند ایرانیان عیارت خواهند بود از اشخاص مشغول ذیل: کوچک خان، (خالو) قربان، حیدرخان (عمو اوغلی)، محمادی، احسان الله خان...»

یا روزنامه «عدالت» (جمعه ۲۸ اسد - مرداد ۱۳۰۰) از جانب کمیته انقلاب ایران «هیئت دولت جمهوری شوروی گیلان» را چنین اعلام میکند:

«میرزا کوچک خان سرکمیسر و کمیسر مایله، حیدر عموغلی کمیسر خارجه، خالو قربان کمیسر جنگ، میرزا محمدی کمیسر داخله، سرخوش کمیسر قضائی.»

این مانع نیست که احسان الله خان، پس از لشکر کشی خود سرانه و بدون تدارک لازم به تهران و شکست خوردن، از طرف کمیته انقلاب از کار برکنار شده بود و برای سومین بار حکومت جمهوری در گیلان اعلام میگردد. پس از تغییر کمیته مرکزی حزب (شهریور

قسمتی از آنرا خرج خود می کنند و قسمتی را نیز به خانه میدهند. از انقلاب می خواهم که همه خرابکاران و ضد انقلابیها را جلب کند. دست آمریکایی غارتگر را کوتاه کند و به دردهای ایران مردم را برسد»

یکی دیگر از چارچوبان این راسته، پیرمردی است با تقریباً ۶۰-۵۵ سال سن. چارچوبان دیگر نشانی او را به ما میدهند و از وضع فلاکت بار زندگی وی یاد میدهند. میگویند، با کسی جستجو کارگاش را در ابتدای یکی از کوههای سمت راست خیابان «صاحب جمع» می یابیم. سقف دکان در حال ریزش است و بوسیله شمعک های چوبی سوراخها سوراخ شده است. صاحب کارگاه چهره ای بسیار گرفته و ملال انگیز دارد. از یک سو یاد دارد و از کار افتادگی و از سوی دیگر فشار زندگی حال و هوای حرف زدن و درد دل کردن را هم از وی گرفته است. شاید این پیرمرد نمونه ای گویایی از پایان کار تمام چارچوبانی باشد که مجبورند سر را بایستند. و کار کنند. از وضع زندگی، مشکلات و گرفتاریهایش میترسیم. بای بیلی واکرام میگوید

(۱۲۹۹) و سپس تدوین ترها، که در واقع برنامه عمل حزب بود، در فعالیت سیاسی حزب تا اندازه ای بهبود حاصل شد. مناسبات حزب با دیگر گروه های انقلابی، بویژه گروه کوچک خان، احیا گردید، لیکن مبارزه درونی حزب شدت یافت. کمیته پیشین، که برگزیده کنگره بود، با تغییرات حاصله در رهبری حزب به مخالفت برخاست. در واقع دورگزیت در حزب بوجود آمد، که «ریک منکر صلاحیت دیگری بود. در همین اوقات اختلافات و تفرقه بین چهار گروه عمده انقلاب گیلان (جنگلیها، به سرکردگی کوچک خان، کمونیستها بر رهبری حیدرخان، گروهی از روشنفکران انقلابی بر رهبری احسان الله خان و مزدوران روستا بر رهبری خالو قربان) در نتیجه عدم قاطعیت و تزئیل بعضی رهبران گروهها، تمایل به سازش با حکومت مرکزی (بوسیله سردار فاخر و دیگران) و همچنین تحریکات و فتنه انگیزی عمال امپریالیسم و ارتجاع داخلی (نظیر سیدجلیل اردبیلی، سید افسه ای، شیخ احمد سیکاری و دیگران) رفته رفته شدت یافت. در پی شهادت حیدرخان (۷ مهر ۱۳۰۰)، خالو قربان، متواری و سپس کشته شدن کوچک خان و هجرت احسان الله خان مقاومت نیروهای انقلابی گیلان در هم شکسته میشود.

وجود مرکز متعدد رهبری مانع جدی در سر راه فعالیت حزب و توسعه سازمانهای آن در نقاط مختلف کشور بود. چنین وضعی منافی اصول و موازین سازمانی حزب طراز نوین، و در نتیجه نادرست و مضر بود. این بود که پس از تدارک مقدمات لازم (۵ بهمن ۱۳۰۰) جلسه مشترکی از نمایندگان مراکز مختلف رهبری و مهمانانی از حزب برادر و کمیترون تشکیل و تصمیمات مقتضی اتخاذ میشود. در قطعنامه این جلسه بویژه چنین آمده است:

۱- درباره مسائل سازمانی حزب کمونیست ایران، دو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به خطا تشکیل گردیده و فعالیت آنها به موازات هم باعث ارتکاب یک رشته اشتباهاتی شده است. وحدت هرچه زودتر دو کمیته مرکزی و تشکیل کمیته مرکزی رفقای زیر ضروری شده میشود (سپس اسامی ۲۰ نفر اعضای کمیته مرکزی آمده است).

۲- محل کمیته مرکزی باید در تهران باشد. ۳- بوروی خارجی حزب مرکب از (سندش) تشکیل میشود.

۴- اعضای کمیته مرکزی باید در کمیته های ایالتی کار کنند.

۵- سلطانزاده نماینده حزب در کمیترون تعیین میشود.

۶- ابوالقاسم اسکندرانلی مسئول ارتباطات تعیین میشود.

۷- مهره های سابق کمیته های مرکزی سابق و همه کمیته های ایالتی و محلی ملی می گردند.

۸- پنوم کمیته مرکزی اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۱۳۰۱) دعوت میشود.

میتوان گفت که دیگر دوره اولیه شکل حزب انجام یافته و از این پس فعالیت گسترده آن در شرایط بسیار دشوار زیرزمینی پیگیری میشود.

۴۰ سال است که چاروبانی می کنند. مدت است که با هم درد میکنند. دروندار زندگی را بر سر معالجه این درد بدرکها نداده ام، ولی اصلاً فرقی نکرده. ۵۷ پیچ دارم و پسر بزرگم محصل است، و روزی چهل ساعت از وقت خودش را به کمک کمک میکند. وی در همین جا حرفهایش را ختمه میدهد و سکوت میکند. از او می خواهم که بازم حرف بزند، ولی وی میگوید: «این وضع خودم و این هم وضع دکاتم، همه چیز را ببینید و بنویسید»

این کارگران بعنوان مشت از خروار محرومیت ها، هیچ سازمان یا سندیکایی ندارند. و راهی برای رسیدن به خواسته های خود سراغ ندارند. فقط می دانند که اگر هم قانونی در کار باشد، شامل آنها نمی شود. چاره آنها وحدت در سندیست.

کارگران چاروساز دستبندی...

بچه از صفحه ۳ به چاروبانی روی آوردیم و فلاز این طریق امرارمانش می کنیم. - آیایلی که دوباره به روستا برگردی و کشاورزی بکنی؟ - دوست دارم ولی دیگر من از عهده کار کشاورزی بر نمی آیم. وسایل این کار باید برای جوانها تهیه بشود. - پدر، ضایعات جسمانی این کار چیست؟ - کاری که من انجام میدهم ناراحتی چندانی ندارد، ولی کاری که این آقا (بندست پسر جوان را نشان میدهند) میکند، بعد از ۱۶ سال سبب پادرد میشود و انسان را از کار میاندازد. - چه انتظاری از انقلاب داری؟ - می خواهم که به بیروسامانی مردم زحمتکش هر چه زودتر پایان دهد! - با پسر جوانی صحبت می کنیم. میگوید: «۱۸ سال از منم میگذرد، کلاس درس خوانده ام و

حقوقی درباره افغانستان (استاد، واقعیات و شواهد)

مسلمانان معتقد و میهن پرست خواستار تحکیم جمهوری دمکراتیک افغانستان اند

مخبر روزنامه اسپانیایی «پاپس» در ۲۰ ژانویه ۱۹۸۰، صاحب‌های با مولوی عبدالعزیز صادق، رئیس شورای روحانیت افغانستان به عمل آورد، که پیشی از آن در اینجا درج میشود:

پرستش: وضع کنونی مذهب در افغانستان چگونه است؟

پاسخ: ۹۰ درصد مردم کشور ما مسلمان هستند. از این عده ۵ درصدشان شیعه و بقیه ۸۵ درصد سنی هستند، که به مساجد گوناگون میروند. حقوق دینی و مذهبی شهروندان را قانون تأمین کرده است. مساجد تعمیر میشوند و وضع آنها کاملاً رضایت‌بخش است. مسلمانانی که هر ساله برای زیارت حج و زیا در یافت می‌دارند، اکنون از سه هزار نفر به هشت هزار نفر افزایش یافته است.

پرستش: بنظر شما وضع کنونی مسلمانان در رژیمی که در دسامبر گذشته روی کار آمده و با اتحاد شوروی، که آنتیسم یکی از صفات مشخصه آنست، روابط مبتنی بر اتحاد دارد، چگونه است؟

پاسخ: دو ماه پیش من به‌راهی ۱۵ نفر از روحانیون به اتحاد شوروی رفته بودم و در شهرهای تاشکند، دوشنبه، لنین‌گراد، باکو و برخی شهرهای دیگر دیدن کردم. من خود به‌چشم خود دیدم که با چه احترامی به معتقدات مذهبی مردم برخورد میشود. ما اطلاع دقیق داریم که مسلمانهای شوروی، که بطور عمده در قفقاز و آسیای میانه بسر می‌برند، دارای وضع کاملاً مساعدی هستند. من با مسئولیت وجدانی کامل به شما میگویم که اتحاد شوروی در امور مذهبی افغانستان مداخله نمی‌کند و هیچگونه تبلیغات ضد مذهبی هم در آنجا انجام نمی‌دهد.

و اما اقدامات اخیر اتحاد شوروی، که طبق مفاد قرارداد دوستی میان دو کشور انجام گرفته است، هدفی جز دفع از حاکمیت و تمامیت کشور افغانستان در قبال نقشه‌های تجاوزکارانه و مداخله‌گرانه نیروهای امپریالیستی و هم‌دستانان نداشته و ندارد. پرستش: مخالفت اساسی با انقلاب نور زیر لوی دین انجام میگیرد. آیا شما به عنوان میانجی میان مقامات دولتی و مذهبی، گامی برای مذاکرات یا گفتگو با رهبران جنبشهای حزب اسلامی یا جمعیت اسلامی برداشته‌اید؟

پاسخ: مخالفتی که در سرزمین بیگانه لایه کرده‌اند و از آنجا به‌خاک میهن ما نفوذ می‌کنند و در نواحی سرسری بیچنگ مشغولند، کسانی هستند که امتیازات خود را از دست داده‌اند. در دوران ما چنانکه می‌دانیم تقالیم اسلامی بر دو نوع است: یکی تقالیمی که از اسلام واقعی محمدی سرچشمه گرفته و دیگری اسلامی که زیر نفوذ انگلیس و دیگر استعمارگران کهنه کار قرار دارد. میان این دو نوع اسلام تفاوت از زمین تا آسمان است. «مسلمانهای» مخالف، طرفدار اسلام استعماری هستند و دست‌بست امپریالیسم آمریکا و انگلیس و ارتجاع پاکستان عمل می‌کنند. همانطور که خودتان می‌بینید یا چنین وضعی، وجود هر گونه تقاسی غیرممکن است.

پرستش: چندین بار رئیس‌جمهوری کنونی بزرگ‌کارمل، تصدیق کرد که در اثر پیگردا و مزاحمت‌های مقامات قضائی در گذشته، بسیاری از روحانیون را تحت فشار قرار داده بودند. اقدامات مثبت شما در این زمینه چه بوده است؟

پاسخ: روحانی‌نمایان هوادار امپریالیسم اکنون کشور را ترک گفته‌اند، عسدهای دستگیر شدند و اشتباهاتی هم در کنار بوده است. اما آنچه که مربوط به سازمان ما، یعنی شورای روحانیت است، ما برای آزادی برخی از کسانی که در آن زمان دستگیر شده بودند، مبارزه کردیم و باید اذعان کنم که در برخی موارد موفقیت‌آمیز آزادی آنها نتوانیم. با وجود این، با جرات اطمینان میدهم که مسلمانهای افغانستان اکنون طرفدار تحولاتی هستند که در کشور تحقق می‌پذیرد و خطیسمی جدید دولت کنونی مورد پشتیبانی آنانست.

پرستش: در صورتیکه موقعیت سیاسی کنونی تثبیت نشود و زمام حکومت بدست روحانیون بیافتد، شما حاضرید «رهبر»

افغانستان بشود؟

پاسخ: نظام کنونی افغانستان، این نظام در حال رشد و استحکام است. اگر کار برعکس بود، یا به سخن دیگر، نظام یسه ضعف می‌گراید، شما حق داشتید چنین سئوالی از من نکنید. من بعنوان نماینده مسلمانان معتقد و به عنوان یک میهن‌پرست، خواستار تحکیم نظام کنونی هستم.

شمن اعلامیه‌ای که کمیته تدارکاتی سازمانهای اسلامی اتحاد شوروی، به تاریخ ۳۱ ژانویه ۱۹۸۰، زیر عنوان پشتیبانی از خلق تیکه در راه آزادی ملی مبارزه می‌کنند صادر کرده، از جمله چنین آمده است:

در سرآغاز پانزدهمین قرن هجری، جهان با وخت‌شدید وضع بین‌المللی روبروست. جوش شیطانی ارتجاع جهانی، پسر کردگی آمریکا، روابط بین‌الملل را سخت تیره کرده‌اند و کار را به احیاء جنگ سرد میکشاند. امپریالیسم میکوشد در جهان اسلام تفرقه بیندازد و امر خلیف وحدت آن را عقیم گذارد. آنها قدرت نظامی خود را در اروپا افزایش میدهند، پایگاههای نظامی جدیدی در آفریقا و آسیا ایجاد می‌کنند و بر حضور نظامی خود در آقیانوس هند، خلیج فارس و دریاهای سرخ و مدیترانه می‌افزایند.

محافل امپریالیستی آمریکا در اتحادبا مسیونریستهای اسرائیل، سادات خائن و برتری‌جویان چینی، در تلاش برای منحرف کردن توجه محافل اجتناسی جهان از نقشه‌های بی‌بندوبار برتری‌جویی خود، به چارو-چنگال تبلیغاتی افتراآمیز علیه انقلاب اسلامی ایران و پیشرفتهای اجتماعی - اقتصادی افغانستان مشغولند. سران امپریالیسم آمریکا ناگهان نقاب مدامفین اسلام و مسلمانان را بر رخسار دوزخی خود زده‌اند و در زیر این نقاب موزیانه می‌کوشند که کمک‌های برادرانه‌ای را، که اتحاد شوروی طبق تقاضاهای مکرر دولت قانونی افغانستان و بر پایه مفاد پیمان سال ۱۹۷۸ افغانستان و شوروی و مطابق روح و مفاد منشور ملل متحد در حق مردم افغانستان انجام میدهد، تخطئه کنند. این دشمنان آشتی‌ناپذیر اسلام و مسلمانان برای گسیختن رشته‌های همبستگی میان کشورهای اسلامی و ایجاد نفاق میان ملت مسلمان، نه تنها اقدامات دوستانه اتحاد شوروی را تحریف می‌کنند، بلکه اگر مقاصد پلیدشان ایجاب کند، روز روشن را شب‌دیوچو جلوه می‌دهند.

امپریالیستهای آمریکا و دستیارانشان با ژوژخانی درباره حقوق خلقهای مسلمان از یکسو و با مداخله خشن در امور داخلی آنها از سوی دیگر، میکوشند اراده خود را بر این خلقها تحمیل کنند و بار دیگر رژیمهای دست‌نشانده خود را بر خلقهای ستمدیده ایران و افغانستان مسلط سازند. غافل از آنکه خلقهای قهرمان ایران و افغانستان، اکنون که پس از سالیان دراز غافل‌از آنکه خلقهای قهرمان ایران و افغانستان، اکنون که پس از سالیان دراز گرانیکه پس از سالیان درازیکارخوبین‌روانند هزاردان شهید، آزادی مطلوب را فراچنگ آورده‌اند، قدر این آزادی را می‌خورند. دانند، برای حفظ و تقویت آن می‌کوشند. ممانعت و اتحاد عمل را جایگزین تفرقه و نفاق مطلوب دشمن می‌سازند و هرگونه دیسه‌سو نیرنگ و فریب دشمن‌امپریالیستی را در این زمینه عقیم می‌گذارند.

یک نکته را هم باید خاطر نشان کرد و آن اینکه مسلمانان اتحاد شوروی، علیرغم افتراات و اکاذیب بیشرمانه دستکاهبهای تبلیغاتی امپریالیسم و ارتجاع، از صدق دل‌پشتیان خلق‌هایی هستند که برای رهائی قلمی و نهایی از چنگ جهانخواران امپریالیسم، برای دفع تجاوز امپریالیستی و برانداختن ستم دیرینه، برای تأمین کامل آزادی و استقلال واقعی خویش بی‌خاسته‌اند. مسلمانان صدیق افغانستان و همه خلقهای افغانستان در این ارزیابی یا مسلمانان اتحاد شوروی همدستانند و کمکهای ارزنده و قاطع اتحاد شوروی را در این لحظات حساس تاریخ افغانستان و درییکار مقدس خود علیه امپریالیسم و ارتجاع به درستی ارج می‌گذارند.

در جلسه علنی دیروز مجلس حجت الاسلام خلخالی گفت:

فرصت طلبان و سازشکاران نباید در مجلس جانی داشته باشند

جلسه دیروز به علت متشنج شدن مجلس، قبل از موقع تعطیل شد.

مجلس نمیخوردیم.

وی در پایان سخنان خویش تأکید کرد: «اگر میخواهید مجلس را حفظ کنید باید کاری کنید که وکلای که تا دیروز در کنار شاه بودند و با حیثیت مردم بازی می‌کردند، امروز در مجلس راه نداشته باشند»

پس از سخنان حجت‌الاسلام خلخالی، آقای حسینی به دفاع از خود پرداخت و ضمن آن گفت:

«من کوچکترین نقطه ضعفی که دامان روحانیت را بیالاید نداشته‌ام و برخورد من با محضرها دلیل صحت نقطه نظرهای من است نه دلیل محکومیت من».

در پایان سخنان وی، حجت‌الاسلام خلخالی چند بار تذکر داد که نامه سپاه پاسداران منطقه درباره ایشان، که روشن‌کننده نکات بسیاری است، خوانده شود. لیکن دکتر سخایی رئیس مجلس، از این کادر خودداری و ضمن اعلام ختم مذاکرات دستور به رای گیری داد. در خاتمه شمارش آراء اعتبارنامه آقای حسینی با ۱۱۴ رای موافق، ۲۸ رای مخالف و ۳۸ رای ممتنع به تصویب نمایندگان رسید.

پس از آن نوبت به گزارش کمیسیون تحقیق درباره پرونده انتخاباتی امیرنجات‌آبادی نماینده اصفهان رسید. دکتر یزدی مخبر کمیسیون اعلام کرد که اعتبارنامه ایشان پس از بررسی در کمیسیون به اتفاق آراء تصویب شد. سپس به‌علت عدم حضور آقای نجف‌آبادی بررسی و رای گیری پیرامون اعتبارنامه ایشان به جلسه علنی بعدی مجلس موکول شد.

گزارش بعدی پیرامون اعتبارنامه آقای محمد محمدی از گرگان بود. مخبر کمیسیون تحقیق گفت:

«پس از استماع توضیحات آقای محمدی، صحت انتخاباتی گرگان و اعتبارنامه آقای محمدی با اکثریت آراء به تأیید کمیسیون رسید».

در این‌جا آقای محمدی با صدای بلند گفت:

«در تمام مدت کمیسیون حتی يك سؤال راجع به پرونده انتخاباتی من نشد. آنها می‌گفتند محمد محمدی صلاحیت نماینده شدن را ندارد».

لازم به توضیح است که اعتبارنامه محمد محمدی به علت نقص پرونده انتخاباتی تصویب نشده بود.

بدنبال سخنان وی و ایجاد بحث بین نمایندگان، جلسه متشنج شد و دکتر سخایی جلسه را ترک کرد. منشی جلسه توضیح داد که: «بنا به آئین‌نامه داخلی، در صورتیکه رئیس مجلس ادامه جلسه را غیرممکن تشخیص دهد، می‌تواند مجلس را ترک گوید و جلسه را تعطیل اعلام کند».

وی توضیح داد که تاریخ جلسه علنی مجلس را بعداً اعلام خواهند کرد.

جلسه مجلس به‌این ترتیب در ساعت ۱۱:۲۵ صبح پایان یافت.

در حاشیه مجلس

حجت‌الاسلام خلخالی در اواسط سخنانش درباره نماینده مینودشت، که در سال ۴۱ با قرآن به نزد شاه مخلوع رفته بود، اشاره‌ای داشت به کسانی که قرآن بیست گرفتند مثل قرآن‌گرفتن معاویه است. یکی از نمایندگان گفت: «در آن زمان (منظور سال ۴۱) قرآن شاهی چاپ نشده بود» حجت‌الاسلام خلخالی جواب داد: «هر قرآنی که بود همان قرآن معاویه بود، قرآن معاویه هم چاپ نشده بود»

جلسه علنی دیروز مجلس، در ساعت ۹:۳۰ پس از حضور اکثریت نمایندگان رسمیت یافت. قبل از رسمیت یافتن مجلس، فضل‌الله صلواتی بنویسندگان سخنران قبل از دستور، پیرامون نبضت سوادآموزی و لزوم همکاری همدانیه نمایندگان مجلس در آن سخنانی بیان داشت. وی در قسمتی از سخنان خود گفت:

«امام در ۷ دی فرمانی صادر کردند که همه باید باسواد شوند. امام فرموده‌اند مساجد، حسینیه‌ها و همه‌جاها را مدرسه کنید... در صورتیکه در منطقه حوزه انتخابیه نمایندگان محترم هنوز این کلاسها تشکیل نشده تشکیل دهید... البته در آنرا باپجان غربی می‌گویند تشکیل نشده و حتی بعضی روحانیون آنجا مخالفت کرده‌اند».

پس از رسمیت یافتن مجلس، «علیزاده» مخبر شعبه نهم اعلام کرد که اعتبارنامه آقای جعفر توکلی از گلپایگان به اتفاق آراء رد شده است. اعتبارنامه آقای توکلی برای رسیدگی بیشتر به کمیسیون تحقیق ارجاع شد. ضمناً یکی از نمایندگان درباره رد شدن اعتبارنامه مذکور گفت:

«رد اعتبارنامه وی تنها به‌علت نقص پرونده انتخاباتی بوده است».

مخبر شعبه ۳، خاتم دستغیب، اعتبارنامه تأیید شده آقای قهرمان رحمانی، نماینده تاکستان را قرائت کرد که به تصویب مجلس رسید. آقای جعفری مخبر شعبه ۱۰، اعتبارنامه تأیید شده آقای پرویز ملک‌پور نماینده اقلیت زرتشتیان را به مجلس ارائه کرد، که به تصویب نمایندگان رسید.

پس از ادای سوگند توسط نماینده اقلیت زرتشتیان، نوبت به مخبر کمیسیون تحقیق رسید، که گزارش خود را درباره پرونده‌های ارجاعی به این کمیسیون به مجلس ارائه دهد.

در اینجا دکتر یزدی سخنوری کمیسیون اعلام کرد که پرونده آقای کشفی نماینده تبریز و اصطهبانات، که به‌علت اعتراض آقای رضوی به کمیسیون ارجاع شده بود، پس از بررسی به اتفاق آراء به تأیید رسید. پس از ادای این گزارش، رای گیری بعمل آمد و پرونده انتخاباتی و اعتبارنامه وی با ۱۶۵ رای موافق در مقابل ۱۲ رای ممتنع و بدون رای مخالف به تصویب رسید.

آنگاه نوبت به گزارش کمیسیون پیرامون اعتبارنامه آقای ابوالحسن حسینی نماینده مینودشت، که به علت اعتراض حجت‌الاسلام خلخالی به کمیسیون تحقیق ارجاع شده بود، رسید. دکتر یزدی در گزارش خود در مورد نماینده مینودشت گفت:

«آقای خلخالی مدارک خود را به این کمیسیون تقدیم کردند. در این میان مدارک آقای حسینی با شاه‌خلوغ وجود داشت... کمیسیون پس از بررسی پرونده و استماع دفاعیات آقای حسینی با اکثریت آراء اعتبارنامه وی را تصویب کرد».

حجت‌الاسلام خلخالی بعنوان اعتراض تأکید کرد که در کمیسیون تحقیق به اعتبارنامه آقای حسینی ۸ نفر رای موافق، ۴ نفر رای مخالف و ۲ نفر رای ممتنع دادند. وی سپس در توضیح علت مخالفت با پرونده آقای حسینی گفت:

«این مجلس باید مجلس نمونه باشد، یعنی فرصت طلبان و سازشکاران که با تقرب به دستگاه منحوس سلطنت موجب تقویت آن شدند، نباید در آن جای داشته باشند... اینها فرصت طلبانی هستند که زمانی در درگاه سلطنت بودند و حالا میخواهند نماینده مجلس باشند... ایشان ادعا می‌کنند که برای عرضه کردن مثنی گندم به نزد شاه رفته بود، در صورتیکه اولاً عکس صراحتاً خلاف آنرا می‌گوید و ثانیاً ساواک و دربار تا به کسی بدرستی اعتماد نمی‌کردند، وی را به نزد شاه نمیبردند... مسئله اعتراض ما، دعوی شخصی نیست ما باید بجوابگوی ملت باشیم... ما باید موضوع خود را مشخص و حقیقت را روشن کنیم، در غیر اینصورت بدرود نمایندگی».

مواد پاک‌کننده...

بقیه از صفحه ۱ ناصر ژرکاره کارمند یک شرکت، به خبرنگار ما میگوید: «پودر شوامی بزرگ دسال گذشته ۴۴ تومان قیمت داشت، ولی حالا همان پودر، البته اگر گیر بیاید، با قیمت ۳۹ تومان فروش میرسد، و این تورم و گرانی در مورد همه کسالاهای بهداشتی صدق می‌کند».

سرگردانی برای خرید پودر...

بعد از پودر لباسشویی، پودر رختشویی جزء کالاهای کمیاب در بازار محسوب میشود. تأیید و دریا، که هم‌اکنون در بازار کمیاب است، نسبت به سال گذشته ۲۲ درصد گرانتر شده است. یک قوطی پودر تأیید بزرگ که در سال گذشته ۴۵ ریال به فروش میرسید، امسال به قیمت ۵۵ ریال در بازار فروخته میشود. خانم هومنی، خانه‌دار میگوید: «من شش بیچ دارم، که ۴ تایی آن زیر ۱۳ سال هستند. بیچه‌هایم به‌علت بازیگوشی در کوچه مدام لباسهایشان را کثیف می‌کنند. به همین علت هفته‌ای سه چهار بار نیست که من برای شستن لباس بیچه‌ها دست به پودر نبرم. حالا با درآمد شوهرم، که کارگر ساده است و ماهی بیشتر از ۴۵۰۰ تومان حقوق نمیگیرد، نداشتن) ولی حالا مایعات جدید دیگری را به اسامی مختلف با

قیمت ۹۵ ریال می‌فروشند، که نه سابون و شامپو چنانکه جدول از لحاظ قیمت صرف میکند، نه نشان میدهد، از افزایش قیمت از نظر کیفیت، به همین دلیل مصون نمانده‌اند و قیمت نوع پر است که اکثر مردم نیاز مایعات مصرف سابون تا ۲۸ درصد بالا قبلی میروند، زیرا ارزاتر از رفته‌است.

جدول افزایش قیمت مواد پاک‌کننده طی یک سال

نام کالا	قیمت سال گذشته	قیمت امسال	درصد افزایش
پودر رختشویی تأیید متوسط	۲۲	۲۵	۱۳
پودر بزرگ	۴۵	۵۵	۲۲
پودر دریا متوسط	۲۱	۲۴	۱۴
پودر بزرگ	۵۰	۶۰	۲۰
پودر لباسشویی شوما متوسط	۱۲۰	۱۵۰	۲۵
پودر بزرگ	۳۳۰	۳۹۰	۱۴
سبید متوسط	۱۲۰	۱۵۰	۲۵
مایع ظرفشویی قدیمی ریکا	۴۵	۶۵	۴۴
مایع ظرفشویی قدیمی کلی	۵۰	۶۰	۲۰
چندین بیام	-	۹۵	-
ریکا	-	۸۲	-
میرکس	-	۸۲	-
شامپو دادگر خنجرهای	۳۵	۵۲	۴۷/۵
کلف معمولی	۶۰	۷۰	۱۵
دایمو	۱۸	۲۲	۲۲
سابون ایرانی نخل ایرانی	۱۴	۱۸	۲۸
لوکس خارجی کوچک	۳۵	۶۵	۴۴
پودر بزرگ	۷۵	۸۵	۱۳
دالیا معمولی	۳۰	۳۳	۱۰

به دستور استاندار آذربایجان شرقی در خلخال بیمارستان ساخته میشود

پدینال چاپ مطبوعه در شماره ۱۵۸ نامه مردم در مورد فقدان بیمارستان و امکانات پزشکی در خلخال، نامه‌ای از طرف آقای نورالدین غروی، استاندار آذربایجان شرقی، به نامه مردم رسیده است.

در مورد گزارش مندرج در شماره ۱۵۸ مورخ ۱۲ بهمن ۵۸ آن روزنامه، اشعار می‌دارد به اداره بهداری خلخال دستور داده شده است که نسبت به احداث یک بیمارستان در آن شهر اقدامات ضروری معمول دارند.

نامه مردم، خوشحالم که تذکرها در مورد فقدان بیمارستان و امکانات پزشکی در شهر خلخال مورد توجه استاندار آذربایجان شرقی قرار گرفته و از طرف ایشان دستور لازم در این زمینه داده شده است.

اشارات حزب توده ایران منتشر شد

تجربه ۲۸ مرداد (نظری به تاریخ جنبش ملی شدن نفت ایران) ف. م. جوانشیر

مجموعه جلد شده نامه مردم از شماره ۱۰۱ تا ۱۹۵ (از ۲ آذر ۱۳۵۸ تا ۲۸ اسفند ۱۳۵۸)

تک شماره‌های گذشته نامه مردم (از ۲۲ اسفند ۱۳۵۷ تا کنون) برای فروش آماده است. برای دریافت به دفتر نامه مردم، فرجه فرمائید.

وضع طبقاتی جامعه ایران و گروه‌های سیاسی پرش و پاسخ نورالدین کیانوری

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی... MARDOM No. 287 25 June 1980 Price: West - Germany 0.80 DM France 2 fr. Austria 8 Sch. England 20 P. Belgium 10 fr. Italy 350 L. USA 50 Cts. Sweden 1.50 Skr.

۴۰ ساعت کار در هفته، دستمزد مساوی در برابر کار مساوی، شمول قانون کار بر کلیه کارگران قدغن ساختن کار اطفال کمتر از ۱۵ سال، رعایت حقوق زنان کارگر و جوانان، بیمه‌بیکاری و بیمه‌های اجتماعی، تامین مسکن، بهداشت و آموزش رایگان از خواستهای مبرم رفاهی طبقه کارگر ایران است

رفیق میزانی: انقلاب ایران در وضعی بهتر از آنچه جله پرسش و پاسخ در بابل

رفیق باقرزاده: تشکیل جبهه متحد خلق راه‌های انقلاب ماست



به دعوت سازمان حزب توده ایران در بابل، روز ۳۰ خرداد جلسه پرسش و پاسخ با شرکت رفیق فرج‌الله میزانی (جوانشیر) عضو هیات سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران و رفیق ابوتراب باقرزاده، عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران در این شهر برگزار شد. در این جلسه، که با شرکت گروه زیادی از اعضاء و هواداران حزب توده ایران و سایر سازمان‌های سیاسی تشکیل شده، ابتدا رفیق جسوانه ضمن تشکر از مسئولین شهر به رفقای عضو رهبری حزب خوشامدگفت. سپس رفیق ابوتراب باقرزاده در میان ابراز احساسات پرشور حاضران پشت

خاطره قهرمان توده‌ای ترکمن را گرامی میداریم

رفیق نور محمد لرنجیک: «بخوبی درک می‌کنیم که اگر همه زحمتکشان و مظلومان دست به دست هم ندهند و متحد نشوند از ظلم و ستم خلاص نخواهند شد.»

رفیق نورمحمد قرینجیک، از فعالین حزب توده ایران در ترکمن-سحرا، بلافاصله پس از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد تحت پیگرد فرار گرفت و مجبور شد زندگی مخفی را آغاز کند. مزدوران رژیم در هر گوشه و کنار پدینال رفتاری تودم‌های که آتش‌ناب‌دیسری، استقامت و دلوری را یکجا در خود داشتند، می‌گشتند و ما لحظه‌ای که یک فرد تودم‌های در خارج از دسترس آنان بود، لحظه‌ای آرام و قرار نداشتند. رفیق قرینجیک نیز بالاخره در بند گرفتار شد. در همان آغاز تفرقه نامه‌ای را پیش وی گذاشتند و خواستند که بدون هیچگونه گفتگویی آرا امضاء کند. ولی رفیق تودم‌های با قطعیت ایمن خواست را رد کرد و رژیم و مزدوران را به یاد حمله گرفت. او را به تپ مستقل گرگان منتقل کردند و چون رفیق زحمتکشان و مظلومان دست به دست هم ندهند و متحد نشوند، از ظلم و ستم خلاص نخواهند شد.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

هموطنان کرد مقیم تهران میتوانند نامه مردم، بزبان کردی، را که روزهای یکشنبه منتشر میشود، از کیوسکهای مختلف تهران دریافت دارند.

شوخی نیست...!

دلایها

دلایها شرکت دولتی کشتار گوشت را در آستانه تعطیل قرار داده‌اند. (کجهان - ۲۶ خرداد). بازم در کوتاه کردن دست دلایها از اقتصاد کشور کوتاهی کنید.

راستی چه خبره؟

روزشنبه در محافل فرانسوی، که مشمول انبیا مذاکرات با ایران برای حل اختلافات این کشور و شرکت پیش‌گاز برای غنی کردن اورانیوم (اورودیف) هستند، امیدوارانه‌ای بوجود آمده. «ناظران این سؤال را مطرح میکنند که آیا این سرداشت که کمتر از تمهیدات اصولی ایران است، به معنای از سرگیری پروژه اتمی ایران خواهد بود که از آغاز انقلاب متوقف ماند و آیا ایجاد رآکتوری که ایران همواره... آلمان سفارش داده بود، بهایسان خواهد رسید. (همانجا)

سازمان حزب توده ایران در کرج: پیروزی کارگران شرکت «پردیس» را در راه اندازی کار تبریک می‌گوییم

سازمان حزب توده ایران در شهرستان کرج، طی بیانیه‌ای پیروزی کارگران شرکت پردیس را در امر راه‌اندازی کار به کارگران و همه کسانی که در این اقدام سهم داشتند، تبریک گفته است. در این بیانیه می‌خوانیم: همشهریان عزیز و مردم زحمتکش کرج!

به طوری که اطلاع پیدا کرده‌ایم، کارگران شرکت پردیس (کشتارگاه، بسته بندی و سردخانه) با اتحاد و هشیاری خود به کمک برادران پاسدار و مسئولین جهاد سازندگی توانستند این واحد بزرگ تولیدی را، که با خطر تعطیل روبرو شده بود، دوباره آماده کار کنند.

ما این پیروزی راه کارگران و همه کسانی که در آن سهم داشته‌اند، تبریک می‌گوییم. پیروزی کارگران شرکت پردیس می‌تواند برای کارگران سایر موسسات تولیدی امیدوارکننده باشد. خداوند انقلاب می‌کوشد، به هر شکل که بتواند، در کار تولید اخلال کند، تا از این راه به انقلاب ما لطمه وارد کند. بنابراین تجدید فعالیت شرکت پردیس را می‌توان پیروزی علیه ضدانقلاب دانست. بهائید دست به دست هم بدهید و با ایمان و شورا انقلابی واحد‌های تولیدی را بتوان هر چه بیشتر به راه اندازیم و با تولید هر چه بیشتر فرآورده‌های مورد نیاز مردم، همین عزیزان را از وابستگی‌های اقتصادی و از چنگال امپریالیسم نجات بخشیم.

پرسش و پاسخ

جلسات «پرسش و پاسخ» روزهای در دبیرخانه کمیته مرکزی حزب پنجشنبه از ساعت ۹ تا ۱۲ بعد از ظهر توده ایران تشکیل میشود.

در شماره ۸ نامه مردم به زبان آذربایجانی میخوانید:

- اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت ۱۶ آبان سالگرد حزب کمونیست ایران - دوستان و دشمنان واقعی مسلمانان چه کسانی هستند. از تعطیل کارخانه «پارس» قهوه‌اشی از مقامات مسئول. مینویس خرم‌مده جلو گیری کنید. همکاری سوهمند جهاد سازندگی با شورای ده. در کارگاه شرکت سیلوی

شماره‌های گذشته نامه مردم برای فروش به طور تک شماره آماده است

به دفتر نامه مردم، مراجعه فرمائید

یکشنبه‌ها: نامه مردم، بزبان کردی

هموطنان کرد مقیم تهران میتوانند نامه مردم، بزبان کردی، را که روزهای یکشنبه منتشر میشود، از کیوسکهای مختلف تهران دریافت دارند.